



اثر بیش اطمینانی مدیریت بر معیارهای کیفیت سود

یداله تاری وردی

*سعید واحدیان (نویسنده مسئول)

۱- دکتری حسابداری و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران^۱

چکیده

گرچه رقم سود گزارش شده‌ی شرکت‌ها، جزء اصلی‌ترین مبانی تصمیم‌گیری در بازار سرمایه به حساب می‌آید، لیکن کیفیت سود، نقش مهمی را در مفید بودن سود در فرآیند تصمیم‌گیری ایفاء می‌کند. در این راستا، ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی مدیران، از عوامل مهم اثر گذار بر کیفیت تصمیم‌گیری مدیران در خصوص سیاست سرمایه‌گذاری، تامین مالی، تقسیم سود و سیاست‌های حسابداری به شمار می‌رود؛ لذا وجود ویژگی بیش اطمینانی در مدیران بر نحوه شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیرگذار است. از اینرو، پژوهش حاضر با هدف تجزیه و تحلیل نقش ویژگی‌های رفتاری مدیران در گزارشگری مالی شرکت‌ها، به بررسی اثر اطمینان بیش از حد مدیریت بر معیارهای کیفیت سود می‌پردازد. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، به بررسی ۱۰۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ پرداخته شد. نتایج آزمون فرضیه اول تا ششم حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیریت اثر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری غیرشرطی و شرطی، کیفیت ارقام تعهدی و پایداری سود، و همچنین بیش اطمینانی مدیریت اثر مثبت و معناداری بر هموارسازی و توان پیش‌بینی‌پذیری سود دارد. همچنین نتایج آزمون فرضیه هفتم حاکی از آن است که بیش اطمینانی مدیریت با معیار ارتباط ارزشی سود ارتباط معناداری ندارد.

واژگان کلیدی: کیفیت سود، بیش اطمینانی مدیریت، محافظه‌کاری حسابداری، هموارسازی سود، کیفیت ارقام تعهدی

^۱ saeedvahediyan@gmail.com



۱. مقدمه

یکی از منابع اطلاعاتی تصمیم‌گیری در بازار سرمایه، صورت‌های مالی شرکت‌ها به‌ویژه صورت سود و زیان است که رقم نهایی آن به عنوان داده‌ی اساسی در بسیاری از مدل‌های ارزشیابی سهام استفاده می‌شود؛ به طوری که صحت، دقت، قابلیت اطمینان و قابلیت پیش‌بینی آن، مستقیماً روی تصمیم‌گیری‌ها اثر دارد. از این رو، سود به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های حسابداری است که همواره برای مقاصد مختلفی نظیر ارزشگذاری سهام، ارزیابی عملکرد مدیریت شرکت‌ها و مواردی از این قبیل مورد توجه بوده است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران در مقایسه با سایر شاخص‌های عملکرد (از قبیل سود نقدی، جریان‌های نقدی و تغییرات سود) اتکالی بیشتری بر روی اطلاعات مربوط به سود دارند. از اینرو سود گزارش شده یکی از معیارهای تعیین بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران است. برای اینکه سود گزارش شده بتواند در ارزیابی عملکرد و توان سودآوری شرکت به استفاده کنندگان کمک کند و سرمایه‌گذاران با اتکا به اطلاعات سود بازده مورد انتظار خود را برآورد کنند، ارائه اطلاعات باید به نحوی باشد که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی موثر باشد (سپاسی و حسن‌زاده، ۱۳۹۵). سودهای کم کیفیت می‌تواند سبب تخصیص ناکارآمد منابع و در نتیجه انتقال نامناسب ثروت شود (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، مدیران شرکت‌ها باید در خصوص سیاست‌های مختلف شرکت اعم از سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تامین مالی، تقسیم سود و سیاست‌های حسابداری تصمیم‌گیری کنند. در این خصوص، کیفیت تصمیمات مدیران تحت تاثیر عوامل مختلفی است که از جمله می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مدیران اشاره داشت^۱. یکی از ویژگی‌های رفتاری مدیران، بیش‌اطمینانی مدیران است. نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که بیش‌اطمینانی مدیران می‌تواند تصمیمات مدیران را در خصوص سیاست‌های مختلف شرکت شامل سیاست‌های سرمایه‌گذاری، تامین مالی، تقسیم سود و سیاست‌های گزارشگری مالی (حسابداری) تحت تاثیر قرار دهد. همچنین نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که کیفیت سود که تحت تاثیر چگونگی اتخاذ سیاست‌های حسابداری است؛ علاوه بر ویژگی‌های شرکت و شرایط بازار، تحت تاثیر خصوصیات فردی مدیران نیز قرار دارد. در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در این زمینه انجام پذیرفته که نشان می‌دهد مدیران همواره به صورت کاملاً عقلایی رفتار نکرده و تحت تاثیر اعتماد به نفس بیش از حد و خوشبینی‌های مفرط ممکن است تصمیماتی غیر عقلایی اتخاذ کنند که تاثیری مهم بر کیفیت سیاست‌های گزارشگری مالی شرکت، علی‌الخصوص سیاست‌های تاثیرگذار بر کیفیت سود دارد؛ از اینرو انتظار بر اینست که بیش‌اطمینانی مدیران کمیت و کیفیت سود گزارش شده شرکت را که محصول تصمیمات مدیران در خصوص سیاست‌های مختلف شرکت است، تحت تاثیر قرار دهد. همچنین با توجه به واقعیت‌هایی همچون تضاد منافع بین تهیه‌کنندگان اطلاعات و سرمایه‌گذاران، استفاده از برآورد و تخمین در محاسبه برخی عناصر سود و زیان، امکان استفاده از رویه‌های پذیرفته شده حسابداری و مسائلی همچون محافظه‌کاری، هموارسازی و مدیریت سود، کاربرد سود به عنوان معیار تصمیم‌گیری را دچار چالش می‌کند. این امر لزوم بررسی موضوع کیفیت سود را دوچندان می‌نماید؛ در مورد کیفیت سود اجماعی بر روی تعریف آن وجود ندارد. بلکه کیفیت سود مفهومی نسبی است که به ارتباط آن با دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف بستگی دارد و اگرچه هیچ معیار قاطعی برای ارزیابی آن وجود ندارد، اما عوامل متعددی وجود دارند که باید در ارزیابی کیفیت سود مورد توجه قرار گیرند. با توجه به توضیحاتی که بیان شد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا بیش‌اطمینانی مدیران بر کیفیت سود واحد تجاری مؤثر است؟ بنابراین هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر شاخص‌های مختلف ارزیابی کیفیت سود است. در ادامه مقاله، در بخش دوم، ادبیات پژوهش و سپس در بخش سوم، پاره‌ای از پژوهش‌های شاخص صورت گرفته، معرفی می‌گردد. متعاقباً در بخش چهارم، روش پژوهش شامل سنجش متغیرها و

^۱ حسابداری رفتاری یکی از گرایش‌های حسابداری است که به ارتباط بین رفتار انسان و سیستم حسابداری توجه دارد. اطمینان بیش از حد (خوش بینی) یکی از نظریه‌های مطرح شده در زمینه مالی رفتاری است که برای توضیح بخشی از رفتار مدیران و سرمایه‌گذاران که با تئوری‌های سنتی مالی سازگار نیست، به کار می‌رود (اسلامی بیدگلی و طهرانی، ۱۳۸۹). اطمینان بیش از حد نوعی ویژگی شخصی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و باورهای غیر واقعی (مثبت) درباره‌ی هریک از جنبه‌های پیشامدی خاص در وضعیت بی‌اطمینانی تعریف شود که در نهایت موجب اغراق در برآورد میانگین خواهد شد (خدای‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).



فرضیه‌ها و نتایج حاصل از آزمون آماری فرضیه‌ها مطرح می‌گردد. در بخش پایانی پس از شرح الگوی مورد استفاده، تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کیفیت سود جنبه‌ای با اهمیت برای ارزیابی سلامت مالی شرکت‌ها است که مورد توجه سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، سود حسابداری و اجزای مربوط به آن از جمله اطلاعاتی است که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. با توجه به اینکه محاسبه سود واحدهای تجاری متأثر از روش‌های برآوردی حسابداری بوده و تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است، ممکن است بنا به دلایل مختلف در نتیجه سیاست‌های اتخاذ شده از سوی مدیریت، کیفیت سود تحت تاثیر قرار گیرد (زارعی و واحیدیان، ۱۳۹۴).

کیفیت سود به توانایی سودهای گزارش شده در انعکاس سود واقعی، سودمندی در پیش‌بینی سودهای آتی و همچنین به ثبات، پایداری و عدم تغییرپذیری سود گزارش شده اشاره دارد. کیفیت سود در پژوهش‌های مختلف با تعاریف متعدد معرفی شده و اجماعی بر روی تعریف آن وجود ندارد. برخی تحلیل‌گران مالی، کیفیت سود را به عنوان سود عادی مستمر، تکرارپذیر و ایجادکننده جریان نقدی حاصل از عملیات می‌دانند. این گروه معتقدند که کیفیت سود رقمی بین سود خالص گزارش شده و جریان نقدی حاصل از عملیات منهای ارقام غیرتکراری می‌باشد (بلوری و همکاران، ۲۰۰۵). روسین و همکاران (۱۹۹۹) اظهار می‌دارند، سودی که باثبات‌تر باشد، باکیفیت‌تر است. ریچاردسون و همکاران (۲۰۰۱) کیفیت سود را بر اساس میزان پایداری سودهای فعلی در دوره‌های آتی تعریف نموده‌اند. آنها معتقدند سودی که تداوم بیشتری دارد، باکیفیت‌تر است. بلوری و همکاران (۲۰۰۵)، کیفیت سود را به عنوان قابلیت سود گزارش شده در انعکاس سود واقعی، کمک به پیش‌بینی سودهای آتی و همچنین پایداری و ثبات سودآوری و عدم تغییرپذیری تعریف کرده‌اند. دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) کیفیت بالاتر سود را ناشی از کاهش ارقام تعهدی عملیاتی سال جاری (افزایش کیفیت ارقام تعهدی) می‌دانند. پرات (۲۰۰۳) کیفیت سود را میزان متفاوت بودن سود گزارش شده در صورت سود و زیان با سود واقعی تعریف نموده‌اند. میخائیل و همکاران (۲۰۰۳) کیفیت سود را براساس میزان توانایی سودهای گذشته در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی تعریف نموده‌اند. استفاده و به‌کارگیری تعاریف مختلف در خصوص کیفیت سود توسط پژوهش‌گران و تحلیل‌گران، موجب ایجاد مدل‌های مختلف اندازه‌گیری کیفیت سود شده است.^۳ هرکدام از مدل‌های ارزیابی کیفیت سود برای اهداف محدودی کاربرد دارند و با وجود اینکه هر کدام از مدل‌ها از معیارهای مختلفی استفاده نموده، ولی هیچ کدام دیدگاه جامعی از کیفیت سود را ارائه نمی‌دهد.

۲-۱. بیش‌اطمینانی مدیران

نظریه‌های تصمیم‌گیری عقلایی و عوامل ذکرشده، بر این فرض استوارند که مدیران هنگام تصمیم‌گیری منطقی رفتار می‌کنند. ادبیات روان‌شناسی نشان داده است مدیران دچار بیش‌اطمینانی یا خوش‌بینی مفرط هستند و این بیش‌اطمینانی آنها در تصمیمات شرکت اخلاقی ایجاد می‌کند.^۴ بیش‌اطمینانی پدیده‌ای شناخته شده در روان‌شناسی است. افراد درباره توانایی‌هایی

^۳ ادبیات کیفیت سود مملو از معیارهای مختلف برای اندازه‌گیری این مفهوم است. تعدد معیارها به‌گونه‌ای است که پژوهشگران مختلف، این معیارها را در چندین طبقه جای داده‌اند. به‌عنوان مثال فرانسس و همکاران (۲۰۰۴) معیارهای کیفیت سود را به دو گروه کلی معیارهای مبتنی بر داده‌های بازار و معیارهای مبتنی بر داده‌های حسابداری تقسیم کرده‌اند. گرنل و لندسمن (۲۰۰۳) معیارهای کیفیت سود را در سه دسته معیارهای مبتنی بر ارتباط ارزشی سود، معیارهای مبتنی بر محتوای اطلاعاتی و معیارهای مبتنی بر قابلیت پیش‌بینی جای داده‌اند. جوناس و بلانکت (۲۰۰۰) این معیارها را در دو گروه معیارهای مرتبط با نیازهای استفاده‌کنندگان (که بر مسائل مرتبط با ارزش‌گذاری تأکید دارند) و معیارهای مرتبط با حمایت از سرمایه‌گذاران (که بر مسائل مرتبط با مباشرت و حاکمیت شرکتی تأکید دارند) طبقه‌بندی می‌کنند (صفرزاده، ۱۳۹۲). شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) این معیارها را در قالب چهار سرفصل به شرح زیر معرفی می‌کنند: الف) معیارهای مرتبط با خصوصیات سری زمانی سود؛ ب) معیارهای برگرفته از رابطه بین سود، جریان‌های نقدی و ارقام تعهدی؛ پ) معیارهای مرتبط با خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری؛ و ت) معیارهای مرتبط با تصمیمات اجرایی

^۴ بیش‌اطمینانی یکی از حوزه‌های اصلی رشته علمی مالی رفتاری (Behavioral Finance) است. مالی رفتاری ادغام اقتصاد کلاسیک و مالی با علوم روانشناسی و تصمیم‌گیری است. دانش مالی کلاسیک سرمایه‌گذاران را منطقی می‌انگارد، اما در دانش مالی رفتاری آنها نرمال هستند. مالی رفتاری مطالعه تأثیرات روانشناسی بر تصمیم‌گیری‌های مالی است. فرض "عقلایی بودن" تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران به عنوان الگوی ساده‌ای از رفتار انسان، یکی از پایه‌های اصلی دانش مالی کلاسیک است و تقریباً تمامی نظریه‌های مالی کلاسیک مثل نظریه پرتفوی، بازار کارای سرمایه، الگوی قیمت‌گذاری دارایی‌های



خود، از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود، اغراق می‌کنند. به بیان دیگر به توانایی‌ها و دانش خود اعتماد بیش از حد دارند، البته ممکن است این احساس درونی را اظهار نکنند یا حتی خود نیز از آن غافل باشند. یکی از ریشه‌های وقوع بیش‌اطمینانی و اصلاح نشدن آن در نتیجه یادگیری این است که افراد مسئولیت موفقیت‌های خود را به عهده می‌گیرند و مسئولیت شکست را به دیگران نسبت می‌دهند. به بیان دیگر، افراد تمایل دارند موفقیت‌هایشان را به عوامل درونی، از جمله استعداد و بصیرتشان نسبت دهند و شکست‌هایشان را در عوامل بیرونی از جمله بدشانسی و اوضاع بد اقتصادی جست‌وجو کنند. از سوی دیگر، افراد به موفقیت‌های خود اعتبار بیشتری می‌دهند تا به شکست‌هایشان. علت وجودی بیش‌اطمینانی آرامشی است که افراد از آن به دست می‌آورند. بیش‌اطمینانی با نسبت دادن موفقیت‌ها به خود، به مرور زمان افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، افراد به دنبال اثبات خود به دیگران نیز هستند تا تحسین آنها را برانگیزند؛ بنابراین گاهی درباره موفقیت‌های قبلی خود برای دیگران اغراق می‌کنند که از نظر درونی بر آنها تأثیر می‌گذارد و موجب تشدید پدیده بیش‌اطمینانی می‌شود. به بیان دیگر، در بیان اغراق‌آمیز موفقیت‌ها، خود فرد بیش از دیگران تحت تأثیر سخنانش قرار می‌گیرد. مطالعات در این زمینه نشان داده است مشاغلی که به قضاوت نیاز دارند، بیش از مشاغل دیگر دچار بیش‌اطمینانی می‌شوند؛ ضمن آنکه هرچه تخصص افراد بیشتر باشد، در معرض بیش‌اطمینانی بیشتری قرار می‌گیرند (سعیدی و فرهانیان، ۱۳۹۰).

یکی از عوامل مهمی که احتمالاً می‌تواند ویژگی‌های کیفیت سود نظیر پایداری سود، سطح محافظه‌کاری حسابداری (مشروط و نامشروط)، هموارسازی سود^۵، توان پیش‌بینی‌پذیری^۶ و سایر ویژگی‌های سود را متأثر کند، ویژگی‌های رفتاری مدیریت و از جمله اطمینان بیش از حد مدیر است احمد و دوئلمن (۲۰۱۳). مدیران بیش‌اطمینان، احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان‌های نقدی شرکت بیش از واقع تخمین می‌زنند و احتمال و تأثیر رویدادهای منفی را کمتر از واقع ارزیابی می‌کنند (هیتون، ۲۰۰۲ و مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵). وجود ویژگی بیش‌اطمینانی در مدیران بر نحوه شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیرگذار است. مدیران بیش‌اطمینان بازده‌های آینده ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیشتر از واقع برآورد می‌کنند. لذا، ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر انداخته و برآوردهای خوش‌بینانه در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلندمدت داشته باشند (رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳). به طور کلی بیش‌اطمینانی مدیران به این معناست که آنها برآورد بیش از حدی راجع به جریان‌های نقدی و سودآوری آینده واحد تجاری داشته باشند^۷. این روند می‌تواند بر

سرمایه‌ای (CAPM) و تئوری نمایندگی متأثر از این فرض است. از نظر دانش مالی رفتاری، این فرض به دلیل واقعی نبودن آن قادر به توضیح رفتار تصمیم‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران نمی‌باشد.

^۵ Earnings Smoothing

^۶ Predictability

^۷ انواع مختلف بیش‌اطمینانی عبارت است از: درجه‌بندی غلط: رایج‌ترین نوع بیش‌اطمینانی در ادبیات مالی است که گاهی از آن به بیش‌اطمینانی در پیش‌بینی نام برده می‌شود و در آن معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می‌زنند و فاصله اطمینان‌های بسیار باریکی در پیش‌بینی‌های خود دارند. برای مثال، هنگام برآورد ارزش یک سهم، انحراف بسیار پائینی را برای طیف بازده‌های مورد انتظار در نظر می‌گیرند (Lichtenstein, et al, ۱۹۸۲).

خود ارزیابی مثبت غیر واقع‌بینانه یا اثر بالاتر از میانگین: در این نوع از بیش‌اطمینانی، افراد مهارت‌های خود را بیش از آنچه هست تخمین می‌زنند. تحقیقات روانشناسی صورت‌گرفته نشان می‌دهد که عموماً افراد تمایل دارند که دید مثبت غیرواقع‌بینانه‌ای از خود و مهارت‌هایشان داشته باشند. بسیاری از انسانها هنگامی که خود را با گروهی مانند همکلاسی‌ها یا همکاران خود مقایسه می‌کنند، سطح توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بالاتر از میانگین سطح توانایی‌ها و مهارت‌های سایر اعضای گروه می‌دانند (Greenwald, ۱۹۸۰).

توهم کنترل: یا خوش‌بینی غیر واقع‌بینانه: سبب می‌شود انسان احساس کند روی مسائل کنترل داشته یا حداقل می‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد درحالی‌که ممکن است در واقع اینگونه نبوده و احتمال موفقیت خود را بیش از آنچه هست تخمین بزند (Langer, ۱۹۷۵). این نوع بیش‌اطمینانی را می‌توان در بازی‌هایی که با تاس انجام می‌شود مشاهده نمود که در آن افراد هنگام تلاش برای دستیابی به یک شماره بالاتر، خیلی قاطعانه‌تر تاس را پرتاب می‌کنند.



تصمیمات آنها، شامل تصمیم‌گیری در خصوص اعمال محافظه‌کاری^۸، هموارسازی سود، انتخاب رویه‌های حسابداری و بطور کلی تصمیمات حسابداری تأثیر بگذارد.

۲-۲. بیش‌اطمینانی مدیران و محافظه‌کاری حسابداری

بررسی آثار بیش‌اطمینانی مدیران بر اعمال رویه‌های شرکت شامل رویه‌های حسابداری دارای اهمیت است. بیش‌اطمینانی می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات آینده نادرست شده و با تحریف از سیاست‌های مناسب سرمایه‌گذاری، تامین مالی و حسابداری، هزینه‌گرافی بر شرکت تحمیل کند. مدیران بیش‌اطمینان بازده‌های آینده ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیش‌برآورد می‌کنند. لذا ممکن است شناسایی زیان را به تاخیر انداخته و برآوردهای خوش‌بینانه در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلندمدت داشته باشند. هندریکسون و بردا (۱۹۹۲) علت وجود محافظه‌کاری را که ناشی از عدم اطمینان است، در دو عامل تداوم فعالیت واحد تجاری در آینده‌های پیش‌بینی پذیر و الزام به برآورد یا تخمین برخی از مبالغ می‌دانند. آنها همچنین دلایلی را برای کاربرد محافظه‌کاری برشمردند؛ از جمله این که بدبینی حاصل از اصل محافظه‌کاری در فرایند گزارشگری مالی، موجب تعدیل خوش بینی برآوردهای عمده مدیریت درباره عملکرد واحد تجاری است. لافاند و واتز (۲۰۰۸) استفاده از محافظه‌کاری را به دلیل تعدیل‌کننده خوش‌بینی بیش از حد مدیریت در برآوردها، الزامی می‌دانند. بنابراین بیش‌اطمینانی مدیریت می‌تواند منجر به سطوح پایین‌تر محافظه‌کاری شرطی (عدم تقارن اطلاعاتی سود) و غیرشرطی شود (رامشه و ملانظری، ۱۳۹۳). از اینرو دو فرضیه اول این پژوهش رابطه منفی را بین بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی پیش‌بینی می‌کند.

۲-۳. بیش‌اطمینانی مدیران و هموارسازی سود

هموارسازی سود، نوع خاصی از مدیریت سود است که می‌کوشد نوسان‌های سود را در طول زمان کاهش دهد. هموارسازی یک هدف روشن دارد و آن ایجاد جریان رشد ثابت در سود است. سود هموارشده می‌تواند بیشتر یا کمتر از میزان واقعی باشد. هموارسازی سود، فرایند دستکاری زمان شناسایی درآمدها یا درآمد گزارش شده است تا جریان سود گزارش شده، تغییر کمی داشته باشد مادامی که درآمد گزارش شده را در بلندمدت افزایش ندهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). وجود این نوع دستکاری نیازمند آن است که شرکت سود زیادی داشته باشد تا بتواند ذخایر لازم را برای منظم کردن جریان‌ها در هنگام نیاز تأمین کند و به طور کلی هدف آن، کاهش تغییرات سود است. از آنجاکه مدیران بیش‌اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران ندارند)، دقت اطلاعات خود و به تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند (بولو و حسنی القار، ۱۳۹۴). هموارسازی سود به طور قابل توجهی تحت تأثیر انتظارات در مورد سودهای آتی است، و بیش‌اطمینانی مدیریت بر این انتظارات اثر می‌گذارد^۹. به عبارت دیگر، هموارسازی شامل موازنه بین مقادیر گزارش شده در دوره جاری و مقادیر گزارش

^۸ محافظه‌کاری را می‌توان رویکردی برای مقابله با چالش بی‌اطمینانی در فرایند گزارشگری مالی دانست که هرچند جایگاهی در اصول حسابداری ندارد، می‌تواند تأثیر بسزایی در ارزش‌یابی دارایی‌ها و تعیین سود خالص داشته باشد (خدای‌پور و همکاران، ۱۳۹۴). باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تأییدپذیری برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌کند. پیش‌بینی‌های مدیریت در به کارگیری حسابداری محافظه‌کارانه نقش اساسی دارد. مدیران با اطمینان بیش‌از حد، بازده آتی پروژه‌های شرکت را بیشتر برآورد می‌کنند؛ بنابراین به گمان زیاد، آنها احتمال و میزان شوک‌های مثبت بر جریان‌های نقدی آتی ناشی از پروژه‌های فعلی شرکت را بیش از حد تخمین می‌زنند و تأثیر شوک‌های منفی بر جریان‌های نقدی را کمتر از حد برآورد می‌کنند. این مسئله منجر به پیامدهای زیر برای تصمیم‌های حسابداری مدیران می‌شود. اول اینکه به شناسایی درآمدها سرعت می‌دهد و شناسایی زیان‌ها را به تأخیر می‌اندازد و زمان شناسایی زیان، ممکن است زیان را کمتر از حد برآورد کند. بنابراین، اطمینان بیش از حد مدیریت به محافظه‌کاری مشروط کمتری منجر می‌شود؛ و از سوی دیگر مدیران با اطمینان بیش از حد، دارایی‌های شرکت را بیش از حد و بدهی‌های شرکت را کمتر از حد ارزیابی می‌کنند که این مهم به معنای محافظه‌کاری نامشروط کمتر است. از اینرو بیش‌اطمینانی مدیریت می‌تواند محافظه‌کاری را به‌عنوان یکی از ابعاد کیفیت سود تحت تأثیر قرار دهد.

^۹ مدیران به دو دلیل به هموارسازی سود می‌پردازند: اولاً آن‌ها تصور می‌کنند که پیش‌بینی آن‌ها از دقت بیشتری برخوردار هستند و ثانیاً سودهای مثبت پی‌درپی می‌تواند انتظارات سرمایه‌گذاران از جریان نقدی را به سبب افزایش قیمت سهام، افزایش دهد.



شده در دوره های آینده است و این ایجاد موازنه به باورها و اعتقادات مدیریت راجع به رویدادهای آینده واحد تجاری بستگی دارد (بولو و حسنی القار، ۱۳۹۴). مدیران بیش اطمینان احتمال بیشتری برای دستیابی به سودهای بالاتر در دوره های آینده قائل هستند و از این رو تمایل بیشتری به بهره گرفتن از سودهای دوره های آینده جهت افزایش سودهای دوره جاری دارند و این بدان معناست که مدیران بیش اطمینان تمایل بیشتری برای گزارش سودهای بالاتر نسبت به سایر مدیران دارند. در واقع بیش اطمینانی مدیریت از طریق تأثیری که بر تخمین سودها و جریان های نقدی آتی واحد تجاری می گذارد، هموارسازی سود را متأثر می سازد (بومن، ۲۰۱۴؛ به نقل از مهرانی و همکاران، ۲۰۱۴).

۲-۴. بیش اطمینانی مدیران، کیفیت ارقام تعهدی و سایر معیارهای کیفیت سود

یکی از شاخص های نشان دهنده کیفیت سود، پایداری سود حسابداری است، بر این اساس که هرچه سود حسابداری پایدارتر باشد، از دید شرکت کنندگان در بازارهای مالی، این سود به منزله سود باکیفیت بالا تفسیر می شود (زارعی و واحدیان، ۱۳۹۴). روساین^{۱۰} (۱۹۹۹) سودی را با کیفیت تر می داند که پایدارتر باشد. از دید ریچاردسون و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۱) کیفیت سود درجه ثبات عملکرد عایدات در دوره ی آینده است. تعریف بنیش و واگاس^{۱۲} (۲۰۰۲) از کیفیت سود احتمال پایداری عایدات جاری در آینده است. پنمن و ژانگ^{۱۳} (۲۰۰۳) کیفیت سود را توانایی سود در نشان دادن عایدات آینده تعریف می کنند. اسکیر و وینسنت^{۱۴} (۲۰۰۳) کیفیت سود را مرتبط با سود مورد نظر هیکس می دانند، یعنی از دید آنان کیفیت سود حدی از صداقت است که عایدات گزارش شده در گزارش سود مورد نظر هیکس را نشان دهد. طبق نظر ایشان کیفیت سود بر اساس رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد تعریف می شود و در آن سودی باکیفیت است که به وجه نقد نزدیک تر بوده و دارای قابلیت استمرار و پیش بینی باشد. در این مبنا اعتقاد بر این است که اقلام تعهدی اختیاری کیفیت سود را کاهش می دهد. بر اساس نتایج پژوهش لایپ و همکاران (۱۹۸۷)^{۱۵} عناصر اصلی پایداری سود، اقلام تعهدی و جریان نقدی عملیاتی هستند. تداوم پایین اقلام تعهدی در مقایسه با جریان نقدی عملیاتی، پیامدهایی برای پایداری سودهای جاری دارد. نتایج تحقیق دستگیر و رستگار (۱۳۹۰) نشان داد که کیفیت سود (پایداری سود) با کیفیت اقلام تعهدی رابطه مستقیم دارد که این نتایج مطابق با نتایج پژوهش بالسام و همکاران (۲۰۰۳) و دیچو و همکاران (۲۰۰۲) در بررسی رابطه کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود است؛ این محققین نشان دادند که با افزایش خطای برآورد اقلام تعهدی^{۱۶} (کاهش کیفیت اقلام تعهدی)، پایداری سود (کیفیت سود) کاهش می یابد. در واقع بیش اطمینانی مدیریت از طریق تأثیری که بر تخمین سودها و جریان های نقدی آتی واحد تجاری می گذارد، پایداری سود را متأثر می سازد. با این حال، شواهد تجربی مستقیمی در مورد استنباط اخیر وجود ندارد. از آنجاکه خصوصیات رفتاری مدیران همچون خوش بینی آنها نسبت به رویدادهای آتی واحد تجاری، روی تصمیمات حسابداری اتخاذ شده در شرکت اثر می گذارد؛ در نتیجه این وضعیت بر سود شرکت نیز اثرگذار است، بنابراین انتظار می رود در شرکت های که مدیران آنها دارای بیش اطمینانی باشند، سود شرکت نیز از ثبات کمتری برخوردار باشد.

قابلیت پیش بینی سود یکی از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری است که سبب بهبود مربوط بودن اطلاعات می گردد. با توجه به اینکه در شرکت هایی که مدیران آنها به دلیل بیش اطمینانی اقدام به سرمایه گذاری در پروژه های با خالص ارزش فعلی منفی می نمایند، سودآوری کاهش می یابد، شرکت ها با افزایش نوسان سود^{۱۷} بیشتری مواجه می شوند؛ در نتیجه مدیران انگیزه بیشتری برای هموارسازی سود دارند؛ از این رو به سبب وجود ارتباط مثبت بین هموارسازی سود و پیش بینی پذیری سود، انتظار می رود پیش بینی پذیری سود در این شرکت ها افزایش یابد؛ با این حال، شواهد تجربی مستقیمی در مورد استنباط اخیر وجود ندارد.

¹⁰ Revsine

¹¹ Richardson and et al

¹² Beneish and Vagus

¹³ Penman and Zhang

¹⁴ Schiper and Vincent

¹⁵ Kormedi and Lipe (1987)

¹⁶ Accrual Estimation Errors

¹⁷ Variability



سود حسابداری و اجزای آن نیز از جمله اطلاعات مهمی هستند که سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود مورداستفاده قرار می‌دهند. تحلیلگران مالی عموماً سود گزارش‌شده را به‌عنوان عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مدنظر قرار می‌دهند. سرمایه‌گذاران نیز برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود بر اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه سود گزارش‌شده اتکا می‌کنند. از طرفی در اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار نیز یکی دیگر از عواملی که فرآورد سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد، بازده و بررسی روند تغییرات قیمت سهام است. از آنجاکه قیمت سهام تحت تأثیر عوامل مختلف تغییر می‌کند و هرکدام از این عوامل به‌نوعی باعث کاهش یا افزایش قیمت سهام می‌شوند، بررسی و تحلیل هر یک از این عوامل ضروری است. مفهوم ارتباط ارزشی سود^{۱۸} در انطباق با بیانیه مفهومی مربوط بودن اطلاعات حسابداری، که در چارچوب نظری حسابداری و گزارشگری مالی آمده است، می‌باشد. ارتباط ارزشی سود به توانایی ارقام حسابداری بر بازده و قیمت سهام شرکت‌ها گفته می‌شود (صفرزاده، ۱۳۹۲). باوجود نبود شواهد در خصوص چگونگی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، پیش‌بینی‌پذیری سود و ارتباط ارزشی سود؛ این پژوهش در تلاش برای بررسی اثر بیش‌اطمینانی مدیریت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی مدیران بر ویژگی‌های فوق‌الذکر کیفیت سود است.

۲-۵. پیشینه پژوهش

ادبیات موضوعی که به بررسی بیش‌اطمینانی مدیریت پرداخته‌اند، تأثیرات آن را بر هموارسازی سود، مدیریت سود، محافظه-کاری حسابداری، سیاست‌های تقسیم سود، تأمین مالی و عدم‌تقارن اطلاعاتی بررسی کرده‌اند. هسیه و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که مدیران بیش‌اطمینان با احتمال بیشتری نسبت به سایر مدیران اقدام به افزایش سود گزارش شده از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری (مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) می‌نمایند. بومن (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی بیش‌اطمینانی مدیریت و هموارسازی سود پرداخت. وی از تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران و اعمال اختیار خرید سهام به عنوان معیارهای بیش‌اطمینانی استفاده نمود. یافته‌های پژوهش بومن (۲۰۱۴) نشان داد بین بیش‌اطمینانی مدیران و هموارسازی سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سایر مدیران بیشتر اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش بیانگر این بود که اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، اهر مالی، عدم‌تقارن اطلاعاتی و راهبری شرکتی می‌تواند بر هموارسازی سود اثر بگذارد. تین‌شی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که مدیران بیش‌اطمینان با احتمال بیشتری نسبت به سایر مدیران اقدام به افزایش سود گزارش شده از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری می‌نمایند. احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) آثار بیش‌اطمینانی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بیش‌اطمینانی مدیران اثر منفی بر محافظه‌کاری حسابداری داشته و نظارت خارجی این اثر منفی را کاهش نخواهد داد. دشماخ و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سایر مدیران تمایل به پرداخت سود تقسیمی کمتری دارند. کاهش در پرداخت سود تقسیمی به دلیل بیش‌اطمینان بودن مدیران در شرکت‌هایی با فرصت رشد پایین‌تر، جریان وجوه نقد کمتر و عدم‌تقارن اطلاع آینده بالاتر، بیشتر است. بن دیوید و همکارانش (۲۰۱۲) نشان دادند که اعتمادبه‌نفس بیش‌ازحد مدیریتی عامل تعیین‌کننده‌ای برای برخی از فعالیت‌های مالی شرکت‌ها است. این پژوهشگران گزارش می‌دهند که اعتمادبه‌نفس بیش-ازحد مدیریتی، سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، استفاده از بدهی را بیشتر و احتمالاً پرداخت سود تقسیم‌شده را کاهش می‌دهد و همچنین احتمال بازخرید سهام را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود که از بدهی‌های بلندمدت در مقابل بدهی‌های کوتاه-مدت بیشتری استفاده شود. سندرونی و اسکوئینتانی (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیریت و عدم‌تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش آنان نشان داد، بیش‌اطمینانی مدیریت باعث افزایش عدم‌تقارن اطلاعاتی می‌گردد. مطالعات دیگری چون مالمندیر و همکاران (۲۰۱۱) بیش‌اطمینانی مدیریت را عامل مهمی در تشریح تصمیمات تأمین مالی شرکت تلقی می‌کنند. با توجه به اینکه مدیران بیش‌اطمینان معتقدند شرکت‌های آنها کمتر از واقع ارزشگذاری شده است، تأمین مالی برون سازمانی را پرهزینه می‌دانند و به طور افراطی به تأمین مالی داخلی اتکا می‌کنند.

¹⁸ Relevance Value



این نگرش مدیران در تصمیمات سرمایه‌گذاری آنها نیز اخلاقی ایجاد می‌کند؛ زیرا هنگامی که وجوه داخلی زیادی دارند، سرمایه‌گذاری بی‌مهابایی انجام می‌دهند، اما هنگامی که ملزم به تأمین مالی بررون سازمانی می‌شوند، محتاطانه سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ به بیان دیگر، بیش‌اطمینانی به کاهش دارایی سرمایه‌گذاری‌ها منجر می‌شود بولو و حسنی القار (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ پرداختند. مبانی نظری پژوهش آنها بر این اساس بود که هموارسازی سود به طور قابل توجهی تحت تأثیر انتظارات در مورد سودهای آینده است و بیش‌اطمینانی مدیریت بر این انتظارات اثر می‌گذارد. مدیران بیش‌اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران ندارند)، دقت اطلاعات خود و به تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بیش‌اطمینانی مدیریت به طور معناداری منجر به افزایش هموارسازی سود می‌گردد. به علاوه، در شرکت‌های با ریسک سیستماتیک بالاتر، احتمال هموارسازی سود بیشتر است. نتایج پژوهش عربصالحی و هاشمی (۱۳۹۴) نشان داد که بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی اثر مثبت و معنادار دارد. به بیان دیگر، بیش‌اطمینانی مدیران ارشد سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرایند گزارشگری مالی می‌شود. خدای پور و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر محافظه‌کاری با در نظر گرفتن نظارت بیرونی پرداختند. در پژوهش آنها برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی مدیریت، از دو مقیاس سرمایه‌گذاری بیشتر از حد بهینه و مازاد نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام استفاده گردید. همچنین برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری مشروط بر اساس مدل تعدیل شده باسو و محافظه‌کاری نامشروط بر اساس دو مقیاس محافظه‌کاری مبتنی بر اقلام تعهدی و ضریب چولگی گیولی و هاین استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد هر یک از مقیاس‌های به کاررفته برای بیش‌اطمینانی مدیریت، بر هر دو نوع محافظه‌کاری مشروط و نامشروط اثر منفی معنادار دارد. همچنین، برخی سازوکارهای نظارت بیرونی می‌تواند اثر منفی بیش‌اطمینانی مدیریت بر محافظه‌کاری نامشروط را کاهش دهد. نتایج پژوهش مشایخ و بهزادپور (۱۳۹۳) نشان داد که بین بیش‌اطمینانی مدیران و سیاست‌های تقسیم سود شرکت ارتباط منفی معنادار وجود دارد؛ در نتیجه در شرکت‌هایی که مدیران بیش‌اطمینان حضور دارند، تقسیم سود کمتری انجام می‌شود. علاوه بر این نتایج پژوهش آنها نشان داد، با افزایش جریان‌های نقدی عملیاتی، مدیر بیش‌اطمینان جریان‌های نقدی عملیاتی آتی بالاتری را برآورد می‌کند و سود تقسیمی بیشتری را می‌پردازد. همچنین پژوهش آنان نشان داد، جدا از اینکه مدیر بیش‌اطمینان باشد یا منطقی، مدیر شرکت با فرصت‌های رشد بالاتر، سود تقسیمی کمتری پرداخت می‌کند. رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری در حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بین محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی با بیش‌اطمینانی مدیریت رابطه منفی معنادار وجود دارد. به علاوه یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که نظارت خارجی اثر منفی بیش‌اطمینانی مدیریت بر محافظه‌کاری شرطی را کاهش داده، اما اثری مشابه در مورد محافظه‌کاری غیرشرطی نخواهد داشت. فروغی و نخبه فلاح (۱۳۹۳) در پژوهشی، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی را بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی بررسی کردند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که اطمینان بیش از حد مدیریت موجب کاهش هر دو نوع محافظه‌کاری می‌شود؛ به این مفهوم که مدیران بیش‌اطمینان، دارایی‌ها را بیش از حد و بدهی‌ها را کمتر از حد تخمین می‌زنند و درآمدها را به سرعت و زیان‌ها را با تأخیر شناسایی می‌کنند. دستگیر و رستگار (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین کیفیت سود (پایداری سود) و بازده سهام با کیفیت اقلام تعهدی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که کیفیت سود (پایداری سود) با کیفیت اقلام تعهدی رابطه مستقیم دارد، ضمن اینکه با کاهش کیفیت اقلام تعهدی و افزایش اندازه اقلام تعهدی، بازده سهام افزایش می‌یابد. همچنین نتایج پژوهش بالسام و همکاران (۲۰۰۳) و دیچو و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که با افزایش خطای برآورد اقلام تعهدی (کاهش کیفیت اقلام تعهدی)، پایداری سود (کیفیت سود) کاهش می‌یابد. قائمی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی اثر محافظه‌کاری بر پایداری سود و نسبت قیمت به سود پرداختند. آن‌ها دریافتند که پایداری سود در شرکت‌هایی که سود محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کنند کمتر است. همچنین آن‌ها دریافتند که نسبت قیمت به سود در شرکت‌هایی که سود محافظه‌کارانه‌تری گزارش می‌کنند، کمتر می‌باشد. فلاح شمس و قالیباف (۱۳۸۹) به بررسی اثر تجربه حرفه‌ای مدیران شرکت‌های سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران بر ریسک‌پذیری و نیز بیش‌اطمینانی مدیران و رفتار



توده‌وار آنها به‌عنوان تورش‌های رفتاری مهم و مؤثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران و ریسک‌پذیری آنها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که بین تجربه و ریسک‌پذیری مدیران رابطه معنی‌دار معکوس و بین تجربه و رفتار توده‌وار آنها رابطه معنی‌دار مستقیم وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که بین تجربه و بیش‌اطمینانی مدیران رابطه معنی‌دار معکوس وجود دارد. بدین ترتیب مدیران کم‌تجربه‌تر در مقایسه با مدیران باتجربه‌تر از بیش‌اطمینانی بیشتر و رفتار توده‌وار کمتر برخوردار بوده، ریسک‌پذیرتر می‌باشند و بازده بالاتری کسب می‌نمایند.

۳. فرضیه‌های پژوهش

با در نظر گرفتن مبانی نظری این پژوهش و همچنین پژوهش‌های داخلی و خارجی گذشته و نتایج آنها که بیان شد؛ هدف اصلی این پژوهش، تبیین اثر و ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیریت و معیارهای مختلف کیفیت سود است. با توجه به هدف پژوهش حاضر، یک فرضیه اصلی و هفت فرضیه فرعی به شرح زیر مطرح شده است تا مورد آزمون قرار گیرد:

فرضیه اصلی اول: بیش‌اطمینانی مدیریت کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

فرضیه فرعی اول: بیش‌اطمینانی مدیریت اثر منفی معنادار بر محافظه‌کاری غیرمشروط دارد؛

فرضیه فرعی دوم: بیش‌اطمینانی مدیریت اثر منفی معنادار بر محافظه‌کاری مشروط دارد؛

فرضیه فرعی سوم: بیش‌اطمینانی مدیریت اثر منفی معنادار بر کیفیت اقلام تعهدی دارد؛

فرضیه فرعی چهارم: بیش‌اطمینانی مدیریت اثر منفی معنادار بر پایداری سود دارد؛

فرضیه فرعی پنجم: بیش‌اطمینانی مدیریت اثر مثبت معنادار بر توان پیش‌بینی‌پذیری سود دارد؛

فرضیه فرعی ششم: بیش‌اطمینانی مدیریت اثر مثبت معنادار بر هموارسازی سود دارد؛

فرضیه فرعی هفتم: بیش‌اطمینانی مدیریت اثر منفی معنادار بر ارتباط ارزشی سود دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش بررسی این موضوع است که آیا بیش‌اطمینانی مدیران کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؛ لذا این پژوهش در زمره‌ی پژوهش‌های توصیفی-همبستگی به شمار می‌رود. به‌علاوه با توجه به این که از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است، در گروه پژوهش‌های شبه‌تجربی طبقه‌بندی می‌گردد. همچنین در این پژوهش به لحاظ تحلیل آماری از تکنیک رگرسیون خطی چندگانه و داده‌های تلفیقی استفاده شده است. تکنیک داده‌های تلفیقی، داده‌های سری زمانی و مقطعی را باهم ترکیب می‌کند. ادغام داده‌های سری زمانی و مقطعی و ضرورت استفاده از آن، بیشتر به دلیل افزایش تعداد مشاهدات، بالا بردن درجه آزادی، کاهش ناهمسانی واریانس و کاهش همخطی میان متغیرها می‌باشد. در این پژوهش به منظور تدوین مبانی و مفاهیم نظری از روش کتابخانه‌ای و آرشویی استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌های مالی از صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به کمک نرم افزارهای تدبیر و ره‌آورد نوین، داده‌ها با جمع‌بندی و محاسبه در نرم افزار اکسل آماده تجزیه و تحلیل شدند. تجزیه و تحلیل نهایی به کمک نسخه هشتم نرم افزار Eviews و Stata انجام گرفته است.

کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر روش غربالگری، شامل شرکت‌هایی است که تا پایان سال مالی ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛ سال مالی آنها منتهی به پایان اسفندماه باشد؛ طی سال مالی تغییر مدیرعامل نداشته باشند؛ جزء شرکت‌های حذف شده از بورس اوراق بهادار نباشند؛ در دوره بررسی تغییر دوره مالی نداده باشند؛ جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و بیمه نباشند، زیرا این گونه شرکت‌ها ساختار مالکیت و سودآوری متفاوتی دارند و آخر اینکه اطلاعات مدنظر شرکت‌ها در دسترس باشد. بر این اساس ۱۰۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ از شرایط فوق برخوردار بودند و برای نمونه پژوهش انتخاب شدند.



۴-۱. مدل پژوهش و متغیرهای آن

مدل اصلی آزمون فرضیه‌های پژوهش به شرح رابطه (۱) است:

رابطه‌ی (۱)

$$EQ_{k,i,t} = \beta_0 + \beta_1 OverCon_{k,i,t-1} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 PPE_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 CFO_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \beta_7 Intang_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش کیفیت سود است. کیفیت سود یکی از اصطلاحات حسابداری است که تعاریف متعددی در خصوص آن ارائه شده است. بسیاری از پژوهشگران، کیفیت سود را نزدیکی سود گزارش شده به سود هیکسی (سود اقتصادی) تعریف کرده‌اند و بیان می‌دارند که هرچه همبستگی سود حسابداری با سود اقتصادی بیشتر باشد، کیفیت سود بیشتر است (شیپر و وینسنت، ۲۰۰۳). دسته‌ای دیگر از محققین براساس تئوری نمایندگی استدلال می‌کنند که به سبب وجود تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران و در پی آن وجود مشکلات نمایندگی بین آنها؛ هرچقدر شدت محافظه‌کاری به کار رفته در محاسبه سود حسابداری بیشتر باشد، کیفیت سود بیشتر است. با توجه به دشواری تعریف عملیاتی کیفیت سود، پژوهشگران از معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری این متغیر استفاده کرده‌اند. در این تحقیق سعی شده است تا تعدادی از مشخصه‌های مرتبط با جنبه‌های مختلف کیفیت سود شامل محافظه‌کاری (شرطی و غیرشرطی)، کیفیت ارقام تعهدی، پایداری سود، توان پیش‌بینی‌پذیری سود، نبود مدیریت یا هموارسازی سود و ارتباط ارزشی سود (مربوط بودن) که به شیوه زیر عملیاتی شده است، بررسی شود:

جدول (۱): شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت سود

EQ _{k,i,t} : ابعاد ویژگی‌های کیفیت سود را نشان می‌دهد که k تعداد ویژگی‌های کیفیت سود را نشان می‌دهد (۱)، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷. (k=۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲)
EQ ₁ : شاخص اندازه‌گیری محافظه‌کاری غیرشرطی (آینده‌نگر) را نشان می‌دهد که با مدل بیور و همکاران (۲۰۰۰) اندازه‌گیری می‌شود؛
EQ ₂ : شاخص اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی (گذشته‌نگر) را نشان می‌دهد که با مدل بیسو ^{۱۹} اندازه‌گیری می‌شود؛
EQ ₃ : شاخص اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی با استفاده از مدل مک‌نیکولز ^{۲۰} (۲۰۰۲) را نشان می‌دهد؛
EQ ₄ : شاخص اندازه‌گیری پایداری سود با استفاده از مدل کورمدی و لایپ ^{۲۱} را نشان می‌دهد؛
EQ ₅ : شاخص اندازه‌گیری پیش‌بینی‌پذیری سود با استفاده از مدل فرانسیس و همکاران ^{۲۲} را نشان می‌دهد؛
EQ ₆ : شاخص اندازه‌گیری هموارسازی سود با استفاده از مدل لئوز و همکاران ^{۲۳} را نشان می‌دهد؛
EQ ₇ : شاخص اندازه‌گیری ارتباط ارزشی سود (مربوط بودن) با استفاده از مدل اولسون ^{۲۴} را نشان می‌دهد؛

محافظه‌کاری: یکی از عوامل کلیدی ارزیابی شرکت، استمرار سود عملیاتی غیرعادی، رشد دارایی‌های غیرعملیاتی و محافظه-کاری^{۲۵} در گزارشگری دارایی‌های عملیاتی می‌باشد (فلتهام و اوهلسون، ۱۹۹۵). براساس پژوهش‌های انجام گرفته محافظه-

¹⁹ Basu (1997)

²⁰ McNichols

²¹ Kormedi and Lipe (1987)

²² Francis et al (2004)

²³ Leuz et al (2003)

²⁴ Ohlson (1995)

²⁵ Accounting Conservatism



کاری از طریق محدود کردن رفتارهای فرصت طلبانه مدیران باعث افزایش ارزش شرکت می شود (لافوند و واتز، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، مخالفان محافظه کاری استدلال می کنند که به طور بالقوه تحریف اطلاعات و تخصیص منابع، می تواند ارزش شرکت را از بین ببرد (گیگلر و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین طبق پژوهش های تجربی، گزارشگری مالی محافظه کارانه باعث می شود که مدیران تمایل کمتری برای سرمایه گذاری در پروژه هایی با خالص ارزش فعلی منفی داشته باشند (بال و شیوا کومار، ۲۰۰۵). محافظه کاری از رفتار فرصت طلبانه مدیران (برای مدیریت سود شرکت ها) جلوگیری و خطر اخلاقی را کاهش می دهد. بنابراین محافظه کاری از طریق بهبود بهره وری سرمایه گذاری های شرکت ها، می تواند باعث افزایش ارزش شرکت و حقوق صاحبان سهام شود.

محافظه کاری غیرشرطی (آینده نگر): بیور و همکاران (۲۰۰۰)^{۲۶} برای اندازه گیری محافظه کاری آینده نگر از نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام^{۲۷} به ارزش بازار آن استفاده کردند. از آنجا که محافظه کاری معمولاً منجر به کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام نسبت به ارزش بازار آن می شود، شرکت های استفاده کننده از حسابداری محافظه کارانه تر، دارای نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار کمتری هستند. به عبارت دیگر رابطه نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار با محافظه کاری، معکوس است که با ضرب آن در عدد (-۱) نسبت مستقیمی از محافظه کاری به دست می آید. هرچه مقدار نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بیشتر (کمتر) باشد، سود محافظه کارانه کمتر (بیشتر) و کیفیت سود کمتر (بیشتر) می باشد.^{۲۸}

محافظه کاری شرطی (گذشته نگر):^{۲۹} محافظه کاری شرطی سود با استفاده از الگوی بیسو (۱۹۹۷) اندازه گیری شده است. معیار محافظه کاری شرطی سود، نسبت ضریب اخبار بد به ضریب اخبار خوب در رگرسیون معکوس سود بر بازده، $[b_1 + b_3]/b_1$ بوده، و بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. الگوی بیسو (۱۹۹۷) بصورت زیر است:

$$E_{i,t}/P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 R_{i,t} + \beta_2 D_{i,t} + \beta_3 RD_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

چنانچه میانگین بازده سالیانه $R_{i,t}$ منفی باشد، متغیر مجازی D مقداری برابر با یک و در غیر این صورت مقدار صفر خواهد داشت. $E_{i,t}$ سود خالص سال مالی را نشان می دهد، $P_{i,t-1}$ مخارج سرمایه ای (دارایی های غیر جاری) را نشان می دهد که به منظور هم مقیاس کردن متغیرها مورداستفاده قرار می گیرد، $R_{i,t}$ بازده سال جاری را نشان می دهد، همچنین متغیر مجازی D اثر تعاملی با متغیر بازده (R) را به نمایندگی برای اخبار بد نشان می دهد.

کیفیت اقلام تعهدی: کیفیت اقلام تعهدی^{۳۰} به میزان تحقق اقلام تعهدی به جریان نقدی آتی اطلاق می گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). مدل های استفاده شده در ادبیات موضوعی جهت سنجش کیفیت اقلام تعهدی بسیار متنوع اند؛ اما عمده ترین مدل هایی که برای سنجش کیفیت اقلام تعهدی مورداستفاده قرار می گیرند (از جمله مدل دچو و دیچیف، ۲۰۰۲؛ مدل مک-

^{۲۶} انتخاب روش ها و سیاست های حسابداری که سودها و ارزش دفتری خالص دارایی ها را مستقل از اخبار اقتصادی کاهش دهد، محافظه کاری غیرشرطی می باشد. محافظه کاری می تواند غیرشرطی یا مربوط به آینده یا مستقل از اخبار باشد. نمونه هایی از این نوع محافظه کاری شامل شناسایی بلادرنگ بهای تمام شده ای اکثر دارایی های نامشهود ایجاد شده در درون واحد تجاری به عنوان هزینه (به هزینه بردن مخارج تحقیق و توسعه) استفاده از روش های تسریعی برای مستهلک کردن اموال، ماشین آلات و تجهیزات و استفاده از روش بهای تمام شده ای تاریخی برای پروژه های با خالص ارزش فعلی مثبت (بیور و رایان، ۲۰۰۵).

^{۲۷} book-to-market ratio

^{۲۸} چنانچه نسبت فوق بیشتر از یک باشد، سهام شرکت کمتر از واقع ارزش گذاری شده است و چنانچه نسبت فوق از یک کمتر باشد، سهام شرکت بیشتر از واقع ارزش گذاری شده است.

^{۲۹} محافظه کاری می تواند شرطی (یا مربوط به گذشته یا تابع اخبار) باشد، بدین معنی که در شرایط بد و نامطلوب ارزش های دفتری کاهش داده می شوند، اما در شرایط خوب و مطلوب ارزش های دفتری بیشتر ارزیابی نمی شوند، نمونه ای بارز این نوع محافظه کاری استفاده از روش اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار (LCM) می باشد (بیور و رایان، ۲۰۰۵). محافظه کاری شرطی، محافظه کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است.

^{۳۰} Accrual Quality



نیکولز، ۲۰۰۲؛ مدل کازنیک و مدل کوساری و همکاران) ارقام تعهدی را به صورت مجموع مورد توجه قرار می دهد^{۳۱}. در تمامی این مدل ها معیار کیفیت ارقام تعهدی، سطح خطای باقیمانده^{۳۲} مدل های مذکور بوده و کمتر بودن این عدد، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. از این رو، برای آزمون فرضیه سوم از شاخص کیفیت ارقام تعهدی که با استفاده از مدل معرفی شده توسط مک نیکولز^{۳۳} (۲۰۰۲) اندازه گیری می شود، استفاده می شود. لذا، پس از استفاده از این مدل برای هر سال از هر شرکت به طور جداگانه رگرسیون های مقطعی بدست می آید که باقیمانده های خاص شرکت را در آن سال (یعنی t و i) بوجود می آورد. هر چقدر، قدر مطلق این خطاها ضریب منفی یک بزرگتر باشد، کیفیت ارقام تعهدی (کیفیت سود) کمتر و هر چقدر، قدر مطلق این خطاها ضریب منفی یک کوچکتر (به صفر نزدیکتر) باشد، نشان از کیفیت بیشتر ارقام تعهدی دارد.

$$WCA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{i,t-1} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t+1} + \beta_4 \Delta REV_{i,t} + \beta_5 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

پایداری سود: به میزانی که سودهای گذشته بر روی سودهای آتی نگاشت می شوند، پایداری یا ثبات سود^{۳۴} اطلاق می شود. به بیان بهتر، پایداری یا ثبات سود به معنای بادوام بودن، تکرارپذیری و دائم بودن سود^{۳۵} در سال های آتی است. سودهای باثبات می تواند موجب بهبود تصمیم گیری سرمایه گذاران گردد. از نظر سرمایه گذاران، سودهای باثبات، حالتی بادوام و پایدار دارند و همین مسأله می تواند به آنها (به خصوص در ارزش گذاری ها) کمک کند؛ پیرو پژوهش کورمدی و همکاران (۱۹۸۷)^{۳۶} در این پژوهش نیز از یک رگرسیون با استفاده از سود جاری بر روی سود پایان سال مالی قبل برای برآورد ضرایب رگرسیون^{۳۷}؛ به منظور تخمین پایداری سود، به شرح مدل زیر استفاده کردند^{۳۸}:

$$Earn_{i,t}/TotalAsset_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Earn_{i,t-1}/TotalAsset_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

پیش بینی پذیری سود:^{۳۹} پیش بینی پذیری سود سبب بهبود مربوط بودن اطلاعات می شود. قابلیت پیش بینی سود به شیوه های مختلفی اندازه گیری می شود؛ اما عمده محققین (از جمله دجو و همکاران، ۲۰۰۹؛ لایپ، ۱۹۹۰؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴)^{۴۰} قابلیت پیش بینی سود را در قالب توانایی سودهای گذشته در پیش بینی سودهای آتی تعریف کرده و برای اندازه گیری آن از انحراف معیار باقیمانده های (خطاها) مدل رگرسیون سود جاری بر روی سود با وقفه به عنوان معیاری برای سنجش قابلیت پیش بینی پذیری سود استفاده کردند^{۴۱}. در این پژوهش نیز پیرو پژوهش های انجام شده برای اندازه گیری قابلیت

^{۳۱} ارقام تعهدی بر اساس مدل کوساری (۲۰۰۵) به عنوان تفاوت میان سود حسابداری و جریان های نقدی عملیاتی تعریف شده است. به عبارت دیگر، انحراف ارقام تعهدی سرمایه در گردش از جریان نقدی عملیاتی به عنوان گزارشگری مالی باکیفیت پایین یا اطلاعات حسابداری دارای خطای پیش بینی (سوءدار) تعریف می شود؛ و هر چقدر این انحراف (خطاها) کمتر باشد، اطلاعات حسابداری یا سود حسابداری دارای توان پیش بینی دقیق تری در تصمیمات سرمایه گذاران می باشد. همچنین کیفیت ارقام تعهدی به عنوان قرینه اندازه انحراف ارقام تعهدی سرمایه در گردش، از جریانات وجه نقد عملیاتی است. زیرا هر چه اندازه انحراف (خطاها) کوچکتر باشد، ارقام تعهدی، با کیفیت تر تلقی می گردد. لذا برای افزایش دقت در پژوهش، مشابه تحقیق دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) و بیدل، هیلاری و وردی (۲۰۰۸) و به جای استفاده از کل ارقام تعهدی، از ارقام تعهدی مربوط به سرمایه در گردش استفاده و به جای استفاده از جریان نقدی، از جریان نقدی عملیاتی استفاده شده است.

^{۳۲} Accrual Estimation Errors

^{۳۳} McNichols

^{۳۴} Earnings persistence

^{۳۵} Sustainability

^{۳۶} Kormedi and Lipe (1987)

^{۳۷} slope coefficient

^{۳۸} عمده محققین (از جمله پنمن و ژانگ، ۲۰۰۲؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ جینگ، ۲۰۰۴ و کورمدی و همکاران، ۱۹۸۷) از ضریب شیب مدل رگرسیون سود جاری بر روی سود با وقفه به عنوان معیاری برای سنجش پایداری سود استفاده نموده اند. بیشتر بودن این ضریب، بیانگر اثبات تر بودن سود و در نتیجه کیفیت بیشتر سود است.

^{۳۹} Earnings predictability

^{۴۰} Francis et al. (2004)

^{۴۱} شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) معتقدند که بین پایداری و قابلیت پیش بینی سود ممکن است تضاد وجود داشته باشد. در صورتی که انحراف معیار سری زمانی سود زیاد باشد، سودهای باثبات، از قابلیت پیش بینی بالایی برخوردار نخواهند بود. بنابراین سودهای باکیفیت (از منظر ثبات سود)، ممکن است از منظر قابلیت پیش بینی، باکیفیت قلمداد نگردند. مدیران معتقدند که سرمایه گذاران، سودی را ترجیح می دهند که به طور یکنواخت افزایش یابد. در راستای تأمین نیاز سرمایه گذاران، مدیران می توانند اجزای موقتی را در سری زمانی سود بگنجانند. گنجانیدن اجزای موقتی در سری زمانی سود،



پیش‌بینی‌پذیری سود، از جذر واریانس خطاهای (باقیمانده‌های) مدل پایداری سود کورمدی و همکاران (۱۹۸۷) استفاده شده است.

هموارسازی سود: در این پژوهش معیار اندازه‌گیری هموارسازی سود^{۴۲} برگرفته از مطالعه لئوز و همکاران (۲۰۰۳) است. این معیار از طریق نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقدی عملیاتی اندازه‌گیری می‌شود که هر دو بر اساس کل دارایی‌ها تعدیل شده است. لئوز و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند امکان دست‌کاری در سود عملیاتی به سبب وجود اجزای تعهدی سود به‌عنوان یکی از اجزای سود در مقایسه با جریان نقدی عملیاتی که سبب افزایش کیفیت سود می‌شود، بیشتر است. هر اندازه که انحراف معیار سود عملیاتی کمتر باشد، احتمال هموارسازی سود بیشتر بوده است. به عبارت دیگر، نسبت‌های کوچکتر انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقدی عملیاتی بیانگر هموارسازی بیشتر سود و در نتیجه کیفیت کمتر سود است. انحراف معیارها نیز با استفاده از سری زمانی داده‌های پنج سال قبل به صورت چرخشی محاسبه شده است.

ارتباط ارزشی سود: به توانایی سود در توضیح بازده، ارتباط ارزشی سود^{۴۴} اطلاق می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر، هر اندازه که سود از توانایی بیشتری در توضیح بازده برخوردار باشد، ارتباط ارزشی آن بیشتر می‌باشد. بخش عمده پژوهش‌های انجام‌شده برای سنجش ارتباط ارزشی سود، از رگرسیون بازده بر روی سود و تغییرات آن استفاده نموده‌اند (صفرزاده، ۱۳۹۲). معیار ارتباط ارزشی سود توان توضیح دهندگی (تیین کنندگی) مدل بوده و طبعاً بیشتر بودن آن، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. در این پژوهش نیز پیرو پژوهش السون (۱۹۹۵) ارتباط ارزشی سود از طریق رگرسیون بازده بر روی سود و تغییرات آن، به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$P_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 E_{i,t} + \beta_2 BV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$P_{i,t}$: قیمت سهام، $E_{i,t}$: سود هر سهم و $BV_{i,t}$: ارزش دفتری هر سهم را نشان می‌دهد.

متغیر مستقل پژوهش

بیش‌اطمینانی یا اعتماد به نفس بیش‌ازحد^{۴۵}، یکی از مهمترین مفاهیم مالی رفتاری مدرن است که هم در تئوری‌های مالی و هم روان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای دارد (نفسینجر، ۲۰۰۱)^{۴۶}. در ادبیات موضوعی تاکنون معیارهای متفاوتی برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی ارائه شده است. یکی از این معیارها، تصمیمات مدیران در خصوص اعمال اختیار خرید سهام^{۴۷} آنها است؛ مدیران ریسک‌گریز تمایل دارند اختیار خرید سهام را زودتر اعمال کنند، اما مدیرانی که به صورت داوطلبانه اختیارهای ارزشمند خود را به مدت طولانی‌تری حفظ می‌کنند، احتمالاً نسبت به توانایی‌های خود و چشم اندازه‌های اقتصادی آتی شرکت بیش‌اطمینان

پایداری سود را کاهش می‌دهد، تغییرپذیری سری زمانی را کاهش می‌دهد، اما از سوی دیگر قابلیت پیش‌بینی را افزایش می‌دهد، بنابراین ملاحظه می‌شود که سود شرکت از منظر پایداری و هموارسازی، کم کیفیت بوده اما از منظر قابلیت پیش‌بینی، باکیفیت قلمداد می‌گردد.

⁴² Earnings smoothness

⁴³ لئوز و همکاران (۲۰۰۳) با استفاده از دو معیار، هموارسازی سود را اندازه‌گیری نمودند. معیار نخست، نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار جریان نقد عملیاتی است که هر دو بر اساس کل دارایی‌ها تعدیل شده‌اند. لئوز و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که امکان دست‌کاری در سود عملیاتی در مقایسه با جریان نقد عملیاتی بیشتر است. هر اندازه که انحراف معیار سود عملیاتی کمتر باشد، احتمال هموارسازی سود بیشتر بوده و در نتیجه، سودهای مربوطه از کیفیت بالایی برخوردار نخواهند بود. نسبت‌های کوچک‌تر، بیانگر هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است. معیار دوم نیز استفاده از همبستگی بین تغییرات در اقلام تعهدی و تغییرات در جریان‌های نقدی است. همبستگی منفی نشان‌دهنده هموارسازی بیشتر و در نتیجه، کیفیت کمتر سود است.

⁴⁴ Value Relevance

⁴⁵ Overconfidence

⁴⁶ Nofsinger, (2001)

⁴⁷ Stock Options



هستند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵؛ مالمندیر و همکاران، ۲۰۰۵ و احمد و دوئلن، ۲۰۱۳). معیار دیگر سنجش بیش اطمینانی، خالص خرید سهام شرکت^{۴۸} توسط مدیر است؛ مدیران بیش اطمینان نسبت به سایر مدیران، سهام شرکت خود را بیشتر می-خرند (احمد و دوئلن، ۲۰۱۳). شهرت رسانه‌ای و پاداش نسبی مدیران معیار دیگری است که برای سنجش بیش اطمینانی مورد استفاده قرار گرفته است. انتظار بر این است مدیرانی که شهرت رسانه‌ای خوب و ارزیابی عملکرد بالایی دارند، پاداش زیادی دریافت کنند و از این رو تمایل بیشتری به بیش اطمینانی داشته باشند (مالمندیر و تیرت، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷). معیارهای دیگری که در ادبیات موضوعی برای سنجش بیش اطمینانی مدیریت معرفی شده است، شامل سوگیری در پیش‌بینی سود مدیریت (تفاوت بین سود پیش‌بینی شده و سود واقعی) و تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت^{۴۹} می‌باشد (بن دیوید و همکاران، ۲۰۱۰؛ مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵ و کمپل و همکاران، ۲۰۱۱). در این پژوهش از شاخص‌های ترکیبی و چند بعدی به شرح زیر برای عملیاتی کردن متغیر بیش اطمینانی مدیریت استفاده شده است.

OverCon: بیانگر اطمینان بیش از حد مدیریتی شرکت i در سال t است. با توجه به اینکه تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حسابداری (گزارشگری) و تقسیم سود شرکت، حاوی اطلاعاتی درباره میزان اطمینان بیش از حد مدیریتی است، در این پژوهش اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیریت، حاصل تعامل دو متغیر $OverInv * Dum$ است. یکی از نشانه‌های مدیران خوش‌بین این است که در مقایسه با رشد درآمد فروش شرکت، در دارایی‌های غیر جاری، سرمایه‌گذاری بیش از حد بهینه انجام می‌دهند^{۵۰}. از اینرو، متغیر اول مطابق با پژوهش احمد و دوئلن (۲۰۱۳) از طریق تخمین سرمایه‌گذاری بیشتر از حد بهینه^{۵۱} ($OverInv$) با استفاده از مدل (۲) اندازه‌گیری می‌شود بدین منظور ابتدا مدل رگرسیونی زیر به صورت مقطعی برای هر شرکت برآورد شده است و پس از آن باقیمانده‌ها برای هر سال محاسبه شده است. چنانچه باقیمانده مدل برای شرکتی بزرگ‌تر از صفر باشد؛ به این معناست که در آن شرکت بیش از حد بهینه سرمایه‌گذاری شده است (افزایش باقیمانده-های مثبت به معنی افزایش درجه بیش اطمینانی مدیریت است) و در نتیجه مدیریت دارای بیش اطمینانی است.

$$AssetGr_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SaleGr_{i,t} + \sum \beta_k Control_{k,i,t-1} + \epsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

AssetGr: رشد دارایی است که از تفاوت میزان تغییرات دارایی‌ها شرکت i در سال t نسبت به دارایی‌های سال گذشته شرکت محاسبه می‌شود. **SaleGr**: رشد فروش است که از طریق تفاوت میزان تغییرات فروش شرکت i در سال t نسبت به فروش سال گذشته شرکت محاسبه می‌شود. $Control_{k,i,t-1}$: متغیرهای کنترلی مدل فوق عبارتند از: $Lev_{i,t-1}$ (اهرم مالی

⁴⁸ Net Purchases of the Firm's Shares by the CEO

⁴⁹ Firms' Investment Decisions

^{۵۰} بررسی ادبیات اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری بهینه نشان می‌دهد که بسیاری از محققان از مدل فوق برای برآورد حد مطلوب استفاده نمودند. به عنوان مثال، یانگ و جیانگ (۲۰۰۸) با پیروی از مدل ریچاردسون (۲۰۰۶) و بیدل و همکاران (۲۰۰۹) از مدل رگرسیون چند متغیره با چندین متغیر کنترلی برای اندازه‌گیری سطح بهینه سرمایه‌گذاری استفاده نمودند. بر اساس پژوهش ریچاردسون (۲۰۰۶) از فروش به عنوان متغیری برای تخمین فرصت‌های سرمایه‌گذاری مورد انتظار استفاده می‌شود. مطابق با این رویکرد، سرمایه‌گذاری تابعی از فرصت‌های رشد است که از طریق فروش اندازه‌گیری می‌شود. استدلال این مدل این است که میزان فروش شرکت انتظار از سرمایه‌گذاری شرکت را در بازاری کارا نشان می‌دهد. با جایگذاری رقم محاسبه شده بابت سرمایه‌گذاری کل در معادله رگرسیونی فوق پسماندهای این معادله محاسبه می‌گردد. پسماندهای مثبت (انحراف مثبت از سرمایه‌گذاری مورد انتظار) نشان‌دهنده انتخاب پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی یا همان سرمایه‌گذاری بیش از حد بهینه و پسماندهای منفی (انحراف منفی از سرمایه‌گذاری مورد انتظار) نشان‌دهنده گذر از فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ارزش فعلی خالص مثبت یا در واقع سرمایه‌گذاری کمتر از حد بهینه خواهد بود. قدر مطلق پسماندهای معادله رگرسیون به عنوان شاخص معکوس از کارایی سرمایه‌گذاری یعنی ناکارایی سرمایه‌گذاری است (نهندی و همکاران، ۱۳۹۲).

⁵¹ Over Investment



شرکت): نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها؛ $Age_{i,t-1}$ (سن): نسبت لگاریتم سال‌های سرمایه‌گذاری شرکت بر میانگین دارایی‌ها در ابتدای سال؛ $Cash_{i,t-1}$ (نسبت نقدی): وجوه نقد + سرمایه‌گذاری کوتاه مدت / میانگین دارایی‌ها در ابتدای سال؛ $Size_{i,t-1}$ (اندازه): لگاریتم طبیعی دارایی‌های ابتدای سال؛ $Ret_{i,t-1}$ (بازده سالانه سهام): بازده سالانه سهام خریداری یا نگهداری شده در هر سال؛ $Lag (Invi,t-1)$ (فاصله زمانی سرمایه‌گذاری) و $\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده‌های مدل است که از باقیمانده‌های مثبت به عنوان شاخص اندازه‌گیری بیش‌اعتمادی مدیریت استفاده شده است.

متغیر دوم (Dum) به پیروی از پژوهش هوانگ و همکاران (۲۰۱۱)، جیانگ و همکاران (۲۰۰۹)، لین و همکاران (۲۰۰۵)، پارک و کیم (۲۰۰۹) و مشایخ و بهزادپور (۱۳۹۳): از طریق تفاوت سود پیش‌بینی شده سالانه توسط مدیریت در ابتدای سال و سود تحقق یافته در پایان سال محاسبه می‌شود؛ به طوری که چنانچه مدیریت سود پیش‌بینی شده را بیشتر از سود واقعی اعلام کرده باشد، متغیر Dum مقدار یک؛ (به این معنی که مدیریت دچار بیش‌اطمینانی است) و در غیر این صورت مقدار صفر دارد.

متغیرهای کنترلی پژوهش

به متغیرهایی که در پژوهش لازم است تاثیر آنها خنثی شود یا از بین برود، متغیرهای کنترلی گویند (عادل آذر و مومنی، ۱۳۸۴). از جمله عوامل تأثیرگذار دیگر بر کیفیت سود، می‌توان به اندازه شرکت، اهرم مالی، جریان نقدی عملیاتی، عدم تقارن اطلاعاتی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری اشاره کرد (چایز و همکاران، ۲۰۱۴).

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. بررسی آمار توصیفی پژوهش

در بخش آمار توصیفی پژوهش، ابتدا شاخص‌های آمار توصیفی از جمله میانگین، میانه، حداکثر، حداقل و انحراف معیار برای متغیرها با استفاده از داده‌های ۱۰۵ شرکت مورد بررسی در بازه زمانی ۵ ساله محاسبه و در جدول (۲) ارائه شده است. به منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است ابتدا این داده‌ها توصیف شوند. سپس مفروضات اساسی مدل رگرسیون شامل آزمون F لیمو و آزمون هاسمن آزمون می‌شود. در ادامه با استفاده از تحلیل پانلی بهترین رابطه را (در صورت وجود رابطه) بین متغیر مستقل و وابسته برآورد شده است. با محاسبه معیارهای کیفیت سود و نیز معیار بیش‌اطمینانی مدیریت، متغیرهای خاص این تحقیق جهت بررسی و آزمون فرضیات فراهم آمد.

جدول (۲) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
EQ ₁	۵۲۵	۲/۲۸۹	۱/۹۴۵	۴۴/۰۹۲	۲۳/۸۵۴	۳/۳۴۱
EQ ₂	۵۲۵	-۱/۶۱۱	-/۶۵۵	۸۱/۶۶	-۱۰/۲/۰۶	۲۱/۰۶
EQ ₃	۵۲۵	۰/۰۲۹	۰/۰۱۷	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰۷	۰/۰۳۲
EQ ₄	۵۲۵	۰/۷۳۱	۰/۷۱۱	۲/۲۰۴	-۱/۲۶۱	۰/۵۱۲
EQ ₅	۵۲۵	۰/۹۱۶	۰/۷۸۶	۲/۲۹۶	۰/۱۱۷	۰/۳۳۹
EQ ₆	۵۲۵	۰/۷۵۵	۰/۷۶۵	۲/۵۰۶	-۰/۱۹۹	۰/۳۲۸



۰/۱۸۶	۰/۰۳۸	۰/۶۱۳	۰/۲۶۳	۰/۲۷۸	۵۲۵	EQ7
۰/۰۹۵	۰	۰/۱۹۲	۰/۱۰۳	۰/۱۱۵	2۸۹	OverCon
۰/۴۱۶	۸/۶۲۷	۱۸/۱۰۶	۱۳/۱۹۴	۱۳/۱۶۰	۵۲۵	Size
۰/۱۶	۰	۰/۶۶	۰/۲۲	۰/۲۷	۵۲۵	PPE
۰/۱۶۹	۰/۲۷۲	۱/۱۵۴	۰/۵۰۸	۰/۵۳۹	۵۲۵	Lev
۰/۱۷۳	-۰/۶۷۰	۰/۷۶۲	۰/۱۴۹	۰/۱۵۲	۵۲۵	CFO
۰/۷۱۶	۰/۳۷۲	۱۳/۳۸۴	۱/۹۵۲	۲/۶۶۰	۵۲۵	MTB
۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۵۲۵	Intang

* منبع: نتایج پژوهش

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. نتایج جدول شماره (۲) نشان می دهد میانگین مشاهدات و میانه آنها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می کند که داده ها از توزیع نرمال برخوردارند. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر پایداری سود برابر با ۰/۷۳۱ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. با توجه به میانگین متغیر ترکیبی بیش اطمینانی مدیران، بیش از ۵۰ درصد از مدیران شرکت های نمونه، دارای خصوصیت رفتاری بیش اطمینانی هستند. همچنین پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر، یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهمترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرهای پژوهش، متغیر دارایی نامشهود کمترین و متغیر محافظه کاری شرطی، بیشترین پراکندگی را دارا می باشد. آزمون ضرایب همبستگی پیرسون برای همه متغیرهای استفاده شده در الگوهای رگرسیونی انجام شد. براساس نتایج حاصل از این آزمون چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و تفکیک پذیر بودند بین متغیرهای مستقل و تعدیل کننده خودهمبستگی دیده نشد.

۵-۲. بررسی پایایی متغیرهای پژوهش: آزمون پایایی لیون، لین و چوی (LLC) - مانایی (آزمون ریشه واحد)^{۵۲}

در این پژوهش، با استفاده از آزمون لیون، لین و چوی، پایایی متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. در صورتی که متغیرهای پژوهش پایا نباشند؛ چه در مورد داده های سری زمانی و چه در داده های ترکیبی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب خواهد شد^{۵۳}. نتایج آزمون نشان می دهد که تمامی متغیرها پایا هستند. نتایج این آزمون در جدول شماره (۴) ارائه شده است:

جدول (۳) - نتایج آزمون پایایی متغیرها با استفاده از نرم افزار Eviews

سطح معناداری	آماره ی آزمون لیون، لین و چوی	متغیرها
۰/۰۰۰	-۳/۱۹۸	EQ1
۰/۰۰۶۲	-۲/۵۰۲	EQ2
۰/۰۴۸۴	-۱/۶۶۰	EQ3
۰/۰۰۹۶	-۲/۳۴۱	EQ4
۰/۰۰۳۸	-۲/۶۷۲	EQ5
۰/۰۳۷۸	-۱/۷۷۸	EQ6
۰/۰۰۰	-۲۰/۴۷۶	EQ7

⁵² Unit root

⁵³ مانایی یا ایستایی سری های زمانی به منظور جلوگیری از رگرسیون های کاذب، انجام می گیرد. برای جلوگیری از رگرسیون های کاذب متغیرها باید مانا باشند. در غیر این صورت باید از تفاضل متغیرها که معمولاً مانا هستند، استفاده نمود.



۰/۰۰۰	-۳۱/۳۵۱	OverCon
۰/۰۰۰	-۲۱۲/۴۵۵	Size
۰/۰۰۰	-۱۹۹/۹۲	PPE
۰/۰۰۰	-۷۷/۲۵۸	Lev
۰/۰۰۰	-۱۲/۸۸۸	CFO
۰/۰۰۰	-۱۵/۰۰۳	MTB
۰/۰۰۰	-۵۵/۲۴۳	Intang

* منبع: نتایج پژوهش

با توجه به قدر مطلق آماره T و اینکه سطح معنی داری این آزمون در مورد این متغیرها، کمتر از سطح خطا $0/05$ است، پایایی این متغیرها تایید می‌شود. بنابراین، می‌توان پارامترها را بدون نگرانی از کاذب بودن آن‌ها، برآورد کرد.

۳-۵. تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی

پیش از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی باید در مورد روش مناسب به کارگیری این گونه داده‌ها در تخمین تصمیم‌گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها (تفاوت‌ها یا اثرات خاص شرکت) وجود دارد یا اینکه می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را ادغام کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین‌های تک معادله‌ای برای اخذ تصمیم اخیر از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. بر اساس نتایج این آزمون درباره‌ی رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت‌ها و در نهایت درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده‌های پانل تصمیم‌گیری می‌شود. جدول (۴) نتایج آزمون چاو با استفاده از آماره F ، مربوط به فرضیه یاد شده را در مورد مدل‌های پژوهش نشان می‌دهد.

جدول (۴) - نتایج آزمون F لیمر برای انتخاب روش تابلویی (panel) یا ترکیبی (pooling)

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره F	p-value	نتیجه آزمون
اول	اثرات مقطعی و زمانی معنادار نیستند (روش (data pooled) مناسب است.	۴/۶۲۳	۰/۰۰۳۸	H_0 رد می‌شود و روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود.
دوم	اثرات مقطعی و زمانی معنادار نیستند (روش (pooled data) مناسب است.	۶/۲۵۳	۰/۰۰۰۴	H_0 رد می‌شود و روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود.
سوم	اثرات مقطعی و زمانی معنادار نیستند (روش (pooled data) مناسب است.	۴/۲۱۴	۰/۰۰۵	H_0 رد می‌شود و روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود.
چهارم	اثرات مقطعی و زمانی معنادار نیستند (روش (pooled data) مناسب است.	۵/۰۴۳	۰/۰۰۱۹	H_0 رد می‌شود و روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود.
پنجم	اثرات مقطعی و زمانی معنادار نیستند (روش (pooled data) مناسب است.	۴/۰۹۴	۰/۰۰۶۹	H_0 رد می‌شود و روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود.
ششم	اثرات مقطعی و زمانی معنادار نیستند (روش (data pooled) مناسب است.	۴/۵۹۴	۰/۰۰۴۹	H_0 رد می‌شود و روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود.
هفتم	اثرات مقطعی و زمانی معنادار نیستند (روش (pooled data) مناسب است.	۵/۰۴۸	۰/۰۰۱۹	H_0 رد می‌شود و روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود.

* منبع: نتایج پژوهش



۴-۵. آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

در صورتی که نتایج این آزمون، مبنی بر بکارگیری داده‌ها به صورت داده‌های پانلی شود، می‌بایست برای تخمین مدل از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از این دو مدل باید آزمون هاسمن اجرا شود. فرض صفر آزمون هاسمن مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل‌های رگرسیونی داده‌های تابلویی است. نتایج آزمون هاسمن برای هر یک از مدل‌های پژوهش به شرح جدول (۵) می‌باشد.^{۵۴}

جدول (۵) - نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره کای دو	p-value	نتیجه آزمون
اول	روش اثرات تصادفی مناسب است	۵۸/۰۰۵	۰/۰۰	H_0 رد می‌شود و روش اثرات ثابت انتخاب می‌شود
دوم	روش اثرات تصادفی مناسب است	۶۱/۲۰۴	۰/۰۰	H_0 رد می‌شود و روش اثرات ثابت انتخاب می‌شود
سوم	روش اثرات تصادفی مناسب است	۴۴/۶۰۱	۰/۰۰	H_0 رد می‌شود و روش اثرات ثابت انتخاب می‌شود
چهارم	روش اثرات تصادفی مناسب است	۴۵/۸۰۱	۰/۰۰	H_0 رد می‌شود و روش اثرات ثابت انتخاب می‌شود
پنجم	روش اثرات تصادفی مناسب است	۱۸۰۳ ۱۶۶	۰/۰۰	H_0 رد می‌شود و روش اثرات ثابت انتخاب می‌شود
ششم	روش اثرات تصادفی مناسب است	۱۶۸۵ ۱۲۵	۰/۰۰	H_0 رد می‌شود و روش اثرات ثابت انتخاب می‌شود
هفتم	روش اثرات تصادفی مناسب است	۵۷/۴۱۶	۰/۰۰	H_0 رد می‌شود و روش اثرات ثابت انتخاب می‌شود

* منبع: نتایج پژوهش

با توجه به مقدار p-value به دست آمده از آزمون هاسمن که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرض صفر آزمون هاسمن رد شده و روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود. همچنین از آزمون جارك-برا^{۵۵} به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال استفاده شده است. سطح معناداری آماره جارك-برا، بیشتر از ۰/۰۵ بدست آمده است؛ فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد؛ لذا توزیع اجزای اخلال نرمال است.

۶. یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی هدف پژوهش، فرضیه پژوهش تدوین و مورد آزمون قرار گرفت. همانطور که قبلاً گفته شد، متغیر کیفیت سود به هفت شیوه عملیاتی شده است. نتایج ارتباط بین بیش‌اطمینانی مدیریت و معیارهای کیفیت سود به شرح جدول (۶، ۷، ۸ و ۹) است. مقایسه توان توضیح‌دهندگی الگوها نشان می‌دهد که توان توضیح‌دهندگی الگوی هموارسازی سود از بقیه الگوها بیشتر است، به عبارت دیگر، از بین معیارهای هفت‌گانه کیفیت سود، معیار هموارسازی سود بیشترین ارتباط را با شاخص ترکیبی بیش‌اطمینانی مدیریت دارد. الگوی پایداری سود، کیفیت اقلام تعهدی، ارتباط ارزشی سود، توان پیش‌بینی‌پذیری سود، محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی، در رتبه بعدی (به لحاظ توان توضیح‌دهندگی) قرار دارد. همچنین الگوی ارتباط ارزشی سود با شاخص ترکیبی بیش‌اعتمادی مدیران ارتباط معناداری ندارد که این نتیجه حکایت از عدم تایید فرضیه هفتم پژوهش دارد. همچنین، نتایج حاصل از کلیه الگوها به شرح جدول (۶، ۷، ۸ و ۹)، نشان می‌دهد که مقدار p-value

^{۵۴} H_0 : روش اثرات تصادفی مناسب است، H_1 : روش اثرات ثابت مناسب است.

^{۵۵} Jark-Bera



مربوط به آماره F بیانگر معنادار بودن کلیه الگوهای رگرسیونی است که برابر با مقدار ۰/۰۰۰ بوده و حاکی از آن است که مدلها در سطح اطمینان ۹۵ معنادار می باشد. همچنین آماره دوربین واتسون در تمامی الگوها مقادیری بین ۱/۵ الی ۲/۵ را نشان می دهد که حکایت از عدم خودهمبستگی بین متغیرها دارد.

نتایج ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت با محافظه کاری غیرشرطی و مشروط

جدول (۶) - نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش (EQ₁ و EQ₂)

محافظه کاری شرطی			محافظه کاری غیرشرطی			متغیر
سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	
۰/۰۰۰	-۴/۷۸۷	-۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	-۴/۳۵۱	-۰/۱۲۲	α
۰/۰۰۰	-۶/۰۷۶	-۲/۰۳۷	۰/۰۰۹	-۲/۱۶۶	-۰/۰۰۴	OverCon
۰/۰۰۸	-۲/۶۵۱	-۰/۱۰۷	۰/۰۰۲	-۳/۰۴۱	-۰/۰۰۱	Size
۰/۰۴۵	-۲/۰۰۲	-۰/۰۰۳۷	۰/۰۰۰	-۳/۵۹۰	-۰/۰۱۲	PPE
۰/۰۰۵	۲/۵۰۶	۰/۴۰۶	۰/۰۰۰	۳/۷۰	۰/۲۰۸	Lev
۰/۰۰۸	۲/۶۳۷	۵/۰۳۱	۰/۰۲۰	۲/۳۳۳	۰/۰۰۳	CFO
۰/۷۴۸	۰/۶۵۷	۰/۰۲۸	۰/۰۰۱	-۳/۳۰۱	-۰/۰۰۲	MTB
۰/۰۰۸	-۲/۶۶۲	-۰/۱۰۳	۰/۰۰۰	-۱۱/۵۱۹	-۰/۰۰۴	Intang
۰/۳۶۱			۰/۳۳۹			ضریب تعیین
۰/۳۴۴			۰/۳۲۴			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۷۵۳			۱/۹۴۸			آماره دوربین واتسون
۲۱/۵۶۲			۲۲/۸۸۴			آماره F
۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			احتمال آماره F

*منبع: یافته های پژوهش

مطابق مبانی نظری پژوهش، ضریب معیار بیش اطمینانی مدیران در ارتباط با محافظه کاری غیرشرطی و مشروط، منفی و معنادار است. این یافته ها مؤید آنست که در شرکت های دارای مدیران بیش اطمینان، محافظه کاری کمتری اعمال می شود و با افزایش بیش اطمینانی (ریسک پذیری) مدیریت، استفاده از حسابداری محافظه کارانه کاهش می یابد. همچنین نتایج بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و دو معیار محافظه کاری، نشان می دهد نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، رابطه معنادار منفی با محافظه کاری غیرشرطی و رابطه مثبت غیرمعنادار با محافظه کاری شرطی دارد؛ به عبارت دیگر، ضریب نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام منفی است که نشان می دهد در شرکت های با فرصت رشد بیشتر، کمتر از رویه های حسابداری محافظه کارانه استفاده می شود. همچنین، ضریب مثبت و معنادار نسبت اهرمی و همچنین ضریب منفی و معنادار اندازه شرکت مشابه با یافته های احمد و دوئل من (۲۰۱۳)، خدای پور و همکاران (۱۳۹۴) و نتایج پژوهش رامشه، ملانظری (۱۳۹۳) و فروغی و عباسی (۱۳۹۰)، در بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و محافظه کاری است. این نتایج نشان می دهد که شرکت هایی که کوچک تر هستند و همچنین اعتباردهندگان درصد بالایی از منابع شرکت را تامین می کنند؛ به سبب وجود تضاد منافع بیشتری بین اعتباردهندگان و سهامداران (نسبت به شرکت های با اندازه بزرگتر و اهرم کمتر)، متقاضی رویه های حسابداری محافظه کارانه تر هستند. به طور کلی، براساس نتایج حاصل از بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و دو معیار محافظه کاری، یافته ها نشان داد که مدیران بیش اطمینان شناسایی اخبار خوب در سود را تسریع بخشیده و شناسایی زیان را به تأخیر می اندازند. از اینرو این نتایج، مؤید تایید فرضیه فرعی اول و دوم پژوهش است.



نتایج ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت با کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود

جدول (۷) - نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش (EQ₃ و EQ₄)

پایداری سود			کیفیت اقلام تعهدی			متغیر
سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	
۰/۰۳۸	-۲/۶۳۰	-۰/۳۰۵	۰/۰۰۹	-۲/۶۱۸	-۰/۳۰۶	α
۰/۰۰۷	-۲/۶۹۱	-۰/۱۰۱	۰/۰۰۲	۳/۰۹۳	۰/۰۸۷	OverCon
۰/۱۶۶	۱/۳۸۴	۰/۰۵۲	۰/۰۰۱	۳/۲۹۱	۰/۱۱۴	Size
۰/۰۰۱	۳/۱۹۷	۰/۰۹۵	۰/۲۵۰	۱/۱۴۹	۰/۰۰۹	PPE
۰/۷۲۷	-۰/۳۴۹	-۰/۰۱۵	۰/۰۰۳	۲/۹۱۹	۰/۰۲۶	Lev
۰/۱۶۹	-۱/۳۷۹	-۰/۰۱۱	۰/۰۳۸	۲/۱۸۱	۰/۰۲۲	CFO
۰/۰۱۳	-۲/۴۷۷	-۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	-۲/۹۱۷	-۰/۲۱۵	MTB
۰/۲۰۴	-۱/۲۶۹	-۰/۰۲۴	۰/۰۷۷	-۱/۷۶۶	-۰/۰۳۶	Intang
۰/۴۳۹			۰/۴۳۰			ضریب تعیین
۰/۴۲۴			۰/۴۱۸			ضریب تعیین تعدیل شده
۱/۶۷۲			۱/۸۸۷			آماره‌ی دوربین-واتسون
۲۹/۸۷۶			۳۳/۷۶۳			آماره‌ی F
۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			احتمال آماره‌ی F

*منبع: یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه سوم و چهارم این پژوهش، فرض شده است که بین بیش اطمینانی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی (ارتباط مثبت و معنادار بین بیش اطمینانی مدیریت و خطاهای مدل اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان شاخص معکوس کیفیت اقلام تعهدی)^{۵۶} و همچنین بین بیش اطمینانی مدیریت و پایداری سود، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. به‌عبارت دیگر بیش اطمینانی مدیریت منجر به کاهش کیفیت اقلام تعهدی و کاهش پایداری سود (با توجه به رابطه مثبت بین کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود) می‌گردد. نتایج جدول (۷) در انطباق با مبانی نظری پژوهش، نشان می‌دهد که ضریب معیار بیش اطمینانی مدیران در ارتباط با پسماندهای مدل اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی مثبت و معنادار و همچنین در ارتباط با پایداری سود، منفی و معنادار است. این یافته‌ها مؤید آنست که در شرکت‌هایی که مدیران بیش اطمینان حضور دارند، وجود ویژگی بیش اطمینانی در مدیران بر نحوه شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیرگذار است. مدیران بیش اطمینان بازده‌های آینده ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیش تر از واقع برآورد می‌کنند؛ و از آنجا که ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر انداخته و برآوردهای خوش‌بینانه‌ای در تعیین ارزش دارایی‌های جاری (حساب‌های دریافتی، موجودی کالا و سرمایه‌گذاری‌ها و حساب‌های پرداختی و ذخایر) یا بلندمدت داشته باشند؛ کیفیت سود از دیدگاه کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج جدول (۷) در بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و پایداری سود مؤید آنست که در شرکت‌هایی که مدیران آنها دارای ویژگی رفتاری بیش اطمینانی هستند، سود شرکت نیز از ثبات کمتری برخوردار است. همچنین، مطابق مبانی نظری این پژوهش، مدیران بیش اطمینان در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران ندارند)، دقت اطلاعات خود و به تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند؛ از اینرو کیفیت سود از دیدگاه کیفیت اقلام تعهدی (خطاهای برآورد اقلام تعهدی افزایش می‌یابد) و پایداری سود کاهش می‌یابد. از اینرو، با توجه به استنباط فوق می‌توان گفت مدیران بیش اطمینان به منظور افزایش سودهای دوره جاری بیشتر اقدام به دستکاری اقلام تعهدی می‌کنند؛ درواقع

^{۵۶} رابطه بین خطاهای برآورد اقلام تعهدی با کیفیت اقلام تعهدی معکوس است؛ به‌عبارت دیگر، هرچقدر خطاهای (پسماندهای) برآورد اقلام تعهدی با استفاده از مدل اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی مکنیکلز (۲۰۰۲) افزایش یابد، کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان معیار کیفیت سود کاهش می‌یابد.



مدیران بیش اطمینان تمایل بیشتری برای گزارش سودهای بالاتر از طریق دستکاری ارقام تعهدی، نسبت به سایر مدیران دارند. از این رو بیش اطمینانی مدیریت از طریق تأثیری که بر تخمین بیش از واقع سودها و جریان های نقدی آتی واحد تجاری می گذارد، کیفیت ارقام تعهدی را متأثر می سازد؛ همچنین باتوجه به رابطه مثبت بین کیفیت ارقام تعهدی و پایداری سود، بیش اطمینانی مدیران منجر به کاهش پایداری سود می شود؛ لذا فرضیه فرعی سوم و چهارم پژوهش تایید می گردد. این یافته ها مشابه با یافته های پژوهش دستگیر و رستگار (۱۳۹۰) و همچنین نتایج پژوهش بالسام و همکاران (۲۰۰۳) و دیچو و همکاران (۲۰۰۲) در بررسی رابطه بین کیفیت ارقام تعهدی و پایداری سود است.^{۵۷}

نتایج ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت با پیش بینی پذیری و هموارسازی سود

جدول (۸) - نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش (EQ₅ و EQ₆)

متغیر	پیش بینی پذیری سود			هموارسازی سود		
	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا
α	-۱/۰۰۶	-۷/۲۱۸	۰/۰۱۹	۰/۳۵۵	۶/۶۳۰	۰/۰۰۴
OverCon	۱/۰۸۷	۳/۰۹۳	۰/۰۰۲	۱/۳۰۵	۴/۶۳۰	۰/۰۰۸
Size	۰/۱۱۴	۳/۲۹۱	۰/۰۰۱	-۰/۸۵۲	-۰/۸۸۴	۰/۲۶۶
PPE	۰/۰۰۹	۱/۱۴۹	۰/۲۵۰	-۰/۰۹۵	-۳/۱۹۷	۰/۰۰۱۵
Lev	-۰/۱۲۶	-۲/۹۱۹	۰/۰۰۳۷	۳/۰۱۵	۱/۳۴۹	۰/۰۱۷
CFO	۰/۳۲۷	۳/۱۸۱	۰/۰۲۱	-۰/۲۱۱	-۱/۳۷۹	۰/۲۶۹
MTB	-۰/۰۱۵	-۰/۹۱۷	۰/۶۷۳	۰/۱۰۶	۶/۰۷۷	۰/۰۱۳
Intang	-۰/۰۳۶	-۱/۷۶۶	۰/۰۷۷	۰/۰۲۴۲	۱/۲۶۹	۰/۲۰۴
ضریب تعیین	۰/۳۶۷			۰/۸۶۹		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۵۳			۰/۸۶۶		
آماره ی دوربین واتسون	۱/۷۴۴			۲/۱۳۱		
آماره ی F	۲۵/۹۵۰			۲۹۶/۴۹۱		
احتمال آماره ی F	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		

*منبع: یافته های پژوهش

برای آزمون فرضیه پنجم و ششم این پژوهش، فرض شده است که بین بیش اطمینانی مدیریت و هموارسازی سود و همچنین بین بیش اطمینانی مدیریت و توان پیش بینی پذیری سود، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر بیش اطمینانی مدیریت منجر به افزایش هموارسازی و توان پیش بینی پذیری سود (با توجه به رابطه مثبت بین هموارسازی و توان پیش بینی-پذیری سود) می گردد. نتایج جدول (۸) در انطباق با مبانی نظری پژوهش، نشان می دهد که ضریب معیار بیش اطمینانی مدیران در ارتباط با پیش بینی پذیری سود و هموارسازی سود مثبت و معنادار است. این یافته ها در خصوص رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و هموارسازی سود مؤید آنست که در شرکت هایی که مدیران بیش اطمینان حضور دارند، مدیران بیش اطمینان احتمال بیشتری برای دستیابی به سودهای بالاتر در دوره های آینده قائل هستند و در نتیجه تمایل بیشتری به بهره گرفتن از سودهای دوره های آینده جهت سودهای دوره جاری دارند و این بدان معناست که مدیران بیش اطمینان تمایل بیشتری برای گزارش سودهای بالاتر نسبت به سایر مدیران دارند. در واقع بیش اطمینانی مدیریت از طریق تأثیری که بر تخمین سودها و جریان های نقدی آتی واحد تجاری می گذارد، رابطه مثبت با هموارسازی سود و توان پیش بینی پذیری سود (با توجه به رابطه مثبت بین هموارسازی و توان پیش بینی پذیری سود) دارد. از اینرو، با توجه به استنباط فوق می توان گفت مدیران بیش-

^{۵۷} نتایج تحقیق دستگیر و رستگار (۱۳۹۰) نشان داد که کیفیت سود (پایداری سود) با کیفیت ارقام تعهدی رابطه مستقیم دارد که این نتایج مطابق با نتایج پژوهش بالسام و همکاران (۲۰۰۳) و دیچو و همکاران (۲۰۰۲) در بررسی رابطه کیفیت ارقام تعهدی و پایداری سود است؛ این محققین نشان دادند که با افزایش خطای برآورد ارقام تعهدی (کاهش کیفیت ارقام تعهدی)، پایداری سود (کیفیت سود) کاهش می یابد.



اطمینان بیشتر اقدام به هموارسازی سود می کنند؛ و باتوجه به رابطه مثبت بین هموارسازی و پیش بینی پذیری سود، بیش-اطمینانی مدیران منجر به افزایش توان پیش بینی پذیری سود می شود؛ لذا فرضیه فرعی پنجم و ششم پژوهش تایید می گردد. این نتایج مشابه با یافته های پژوهش بومن (۲۰۱۴) و همچنین نتایج پژوهش مهرانی و همکاران، (۱۳۹۴) در بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و هموارسازی سود است.

نتایج ارتباط بین بیش اطمینانی مدیریت با ارتباط ارزشی سود

جدول (۹) - نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش (EQ7)

ارتباط ارزشی سود			متغیر
سطح خطا	آماره تی	ضریب متغیر	
۰/۰۰۰	۱۷/۴۵۳	۵/۲۲۶	A
۰/۰۹۰۶	-۱/۶۹۵	-۰/۰۸۳	OverCon
۰/۳۶۷	-۰/۹۰۱	-۰/۰۸۸	Size
۰/۰۴۳۰	۲/۰۲۸	۱/۰۴۴	PPE
۰/۳۴۴	-۰/۹۴۵	-۰/۱۲۱	Lev
۰/۱۴۴	۱/۴۶۳	۰/۰۷۲	CFO
۰/۷۶۳	۰/۸۲۶	۰/۰۰۵	MTB
۰/۰۰۳۲	-۲/۹۶۳	-۰/۱۶۱	Intang
	۰/۳۹۰		ضریب تعیین
	۰/۳۷۴		ضریب تعیین تعدیل شده
	۱/۶۹۱		آماره ی دوربین-واتسون
	۲۴/۴۵۲		آماره ی F
	۰/۰۰۰		احتمال آماره ی F

برای آزمون فرضیه هفتم این پژوهش، فرض شده است که بین بیش اطمینانی مدیریت و ارتباط ارزشی سود ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بیش اطمینانی مدیریت منجر به کاهش ارتباط ارزشی سود (مربوط بودن سود) می گردد. نتایج جدول (۹) نشان می دهد که ضریب معیار بیش اطمینانی مدیران در ارتباط با ارتباط ارزشی سود منفی اما غیر معنادار است. به عبارت دیگر، بیش اطمینانی مدیریت با معیار ارتباط ارزشی سود (مربوط بودن سود) ارتباط معناداری ندارد؛ لذا فرضیه هفتم پژوهش مورد تایید قرار نمی گیرد. نبودن ارتباط معنادار بین بیش اطمینانی مدیریت با ارتباط ارزشی سود را می توان به ارتباط مثبت بین بیش اطمینانی مدیریت با هموارسازی سود و همچنین ارتباط منفی بین بیش اطمینانی مدیریت با کیفیت اقلام تعهدی ربط داد. به عبارت دیگر، سودهای هموار شده و کم کیفیت از نظر کیفیت اقلام تعهدی توان توضیح بازده را ندارد (لارکر و همکاران، ۲۰۰۷).

۷. نتیجه گیری

مدیران شرکت ها باید در خصوص سیاست های مختلف شرکت اعم از سیاست های سرمایه گذاری، تامین مالی، تقسیم سود و سیاست های حسابداری تصمیم گیری کنند. این تصمیمات مدیران تحت تاثیر عوامل مختلفی است که از جمله آن می توان به ویژگی های شخصیتی و رفتاری مدیران اشاره داشت. یکی از عوامل مهمی که احتمالاً می تواند ویژگی های کیفیت سود نظیر پایداری سود، سطح محافظه کاری (مشروط و نامشروط)، هموارسازی سود، پیش بینی پذیری و سایر خصوصیات کیفیت سود را متأثر کند، ویژگی های رفتاری مدیریت و از جمله اطمینان بیش از حد مدیر است احمد و دوئلمن (۲۰۱۳). نتایج پژوهش ها نشان داده است که بیش اطمینانی مدیران می تواند تصمیمات مدیران را در خصوص سیاست های مختلف شرکت شامل سیاست های سرمایه گذاری، تامین مالی و سیاست های گزارشگری مالی (حسابداری) تحت تاثیر قرار دهد. از اینرو انتظار بر



اینست که بیش اطمینانی مدیران کمیت و کیفیت سود گزارش شده شرکت را که محصول تصمیمات مدیران در خصوص سیاست‌های مختلف شرکت است، تحت تاثیر قرار دهد. در پژوهش حاضر با اتکاء به ادبیات نظری پیشین در حوزهٔ بیش-اطمینانی مدیریت و کیفیت سود، تلاش شد تا یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر کیفیت سود بررسی و آزمون گردد. از این رو به بررسی ارتباط بین عامل رفتاری بیش اطمینانی مدیریت و کیفیت سود پرداخته شد. به عبارت دیگر، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بود که آیا بیش اطمینانی مدیریت کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در راستای پاسخ به این سؤال یک فرضیهٔ اصلی و در پی آن هفت فرضیهٔ فرعی معرفی شد. درباب عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش نیز متغیر بیش اطمینانی مدیریت از دیدگاه ترکیبی (مبتنی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و مبتنی بر پیش‌بینی سود)، و متغیر کیفیت سود نیز از هفت زاویهٔ مختلف اندازه‌گیری شد.

نتایج آزمون فرضیهٔ اول و دوم حاکی از آن است که بین بیش اطمینانی مدیریت با معیار محافظه‌کاری غیرشرطی و شرطی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته‌ها مؤید آنست در شرکت‌هایی که مدیران بیش اطمینان حضور دارند، محافظه‌کاری کمتری اعمال می‌شود و با افزایش بیش اطمینانی (ریسک‌پذیری) مدیریت، استفاده از حسابداری محافظه‌کارانه کاهش می‌یابد. این یافته‌ها را می‌توان با یافته‌های پژوهش خدای پور و همکاران (۱۳۹۴)، رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) و همچنین نتایج پژوهش احمد و دوئلمن (۲۰۱۳)، اسکراند و زچمان (۲۰۱۱)، در بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری مشابه دانست.

نتایج آزمون فرضیهٔ سوم و چهارم در انطباق با مبانی نظری پژوهش، نشان می‌دهد که ضریب معیار بیش اطمینانی مدیران در ارتباط با خطاهای برآوردی اقلام تعهدی مثبت و معنادار و پایداری سود منفی و معنادار است. این یافته‌ها مؤید آنست در شرکت‌هایی که مدیران بیش اطمینان حضور دارند، وجود ویژگی بیش اطمینانی در مدیریت بر نحوهٔ شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیرگذار است. همچنین، نتایج بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت با پایداری سود مؤید آنست که در شرکت‌های که مدیران آنها دارای بیش اطمینانی باشند، سود شرکت نیز از ثبات کمتری برخوردار است. همچنین، مطابق مبانی نظری این پژوهش، مدیران بیش اطمینان در نتیجهٔ این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند (که دیگران ندارند)، دقت اطلاعات خود و به تبع آن سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم انداز مثبتی از ریسک و بازده آینده شرکت دارند؛ ازاینرو کیفیت سود از دیدگاه کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود کاهش می‌یابد. بر این اساس، می‌توان گفت مدیران بیش اطمینان به منظور افزایش سودهای دورهٔ جاری بیشتر اقدام به دستکاری اقلام تعهدی می‌کنند؛ درواقع مدیران بیش اطمینان تمایل بیشتری برای گزارش سودهای بالاتر نسبت به سایر مدیران دارند. از این رو بیش اطمینانی مدیریت از طریق تأثیری که بر تخمین بیش از واقع اقلام تعهدی واحد تجاری می‌گذارد، کیفیت اقلام تعهدی را متأثر می‌سازد؛ همچنین با توجه به رابطهٔ مثبت بین کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود، بیش اطمینانی مدیران منجر به کاهش پایداری سود می‌شود. این یافته‌ها مشابه با یافته‌های پژوهش دستگیر و رستگار (۱۳۹۰) و همچنین نتایج پژوهش بالسام و همکاران (۲۰۰۳) و دیچو و همکاران (۲۰۰۲) در بررسی رابطهٔ بین کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود است.

نتایج آزمون فرضیهٔ پنجم و ششم در انطباق با مبانی نظری پژوهش، نشان می‌دهد که ضریب معیار بیش اطمینانی مدیران در ارتباط با پیش‌بینی‌پذیری سود و هموارسازی سود مثبت و معنادار است. این یافته‌ها در خصوص رابطهٔ بین بیش اطمینانی مدیران و هموارسازی سود مؤید آنست که مدیران بیش اطمینان احتمال بیشتری برای دستیابی به سودهای بالاتر در دوره‌های آینده قائل هستند و در نتیجه تمایل بیشتری به بهره گرفتن از سودهای دوره‌های آینده جهت افزایش سودهای دورهٔ جاری دارند و این بدان معناست که مدیران بیش اطمینان تمایل بیشتری برای گزارش سودهای بالاتر (از طریق هموارسازی سود)، نسبت به سایر مدیران دارند. در واقع بیش اطمینانی مدیریت از طریق تأثیری که بر تخمین سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری



می‌گذارد، رابطه مثبت با هموارسازی سود و توان پیش‌بینی‌پذیری سود (با توجه به رابطه مثبت بین هموارسازی و توان پیش‌بینی‌پذیری سود) دارد. بر این اساس، می‌توان گفت مدیران بیش‌اطمینان بیشتر اقدام به هموارسازی سود می‌کنند؛ و با توجه به رابطه مثبت بین هموارسازی و پیش‌بینی‌پذیری سود، بیش‌اطمینانی مدیریت منجر به افزایش توان پیش‌بینی‌پذیری سود می‌شود. این نتایج مشابه با یافته‌های پژوهش بومن (۲۰۱۴) و همچنین نتایج پژوهش مهرانی و همکاران، (۱۳۹۴) در بررسی رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و هموارسازی سود است.

یکی از علل ارتباط منفی بین بیش‌اطمینانی مدیریت با معیارهای پایداری سود و قابلیت پیش‌بینی سود، وجود هموارسازی سود در نتیجه بیش‌اطمینانی مدیریت است؛ این موضوع با تحلیل شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) سازگار است. با توجه به ارتباط مثبت بین بیش‌اعتمادی و هموارسازی سود درمی‌یابیم که مدیران در راستای تامین نیازهای سرمایه‌گذاران، اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. هموارسازی سود، پایداری سود را کاهش می‌دهد، تغییرپذیری سری زمانی را کاهش می‌دهد؛ اما از سوی دیگر توان پیش‌بینی‌پذیری سود را افزایش می‌دهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که سود شرکت از دیدگاه پایداری، محافظه‌کاری، هموارسازی و کیفیت ارقام تعهدی، کم کیفیت قلمداد شده اما از دیدگاه توان پیش‌بینی‌پذیری، با کیفیت قلمداد می‌شود. بیش‌اطمینانی مدیریت با معیار ارتباط ارزشی سود ارتباط معناداری ندارد که در این خصوص فرضیه هفتم مورد تایید قرار نگرفت. نبودن ارتباط معنادار بین بیش‌اطمینانی مدیریت با ارتباط ارزشی سود را می‌توان به هموارسازی سود و کیفیت ارقام تعهدی ربط داد. سودهای هموار شده و کم کیفیت از نظر کیفیت ارقام تعهدی توان توضیح بازده را ندارد (لارکر و همکاران، ۲۰۰۷). و در نتیجه ارتباط معناداری بین بیش‌اطمینانی مدیریت با ارتباط ارزشی سود وجود ندارد. از ارتباط منفی بین بیش‌اطمینانی مدیریت با محافظه‌کاری سود (غیرشرطی و شرطی) و ارتباط منفی بین بیش‌اطمینانی مدیریت با کیفیت ارقام تعهدی و پایداری سود و همچنین ارتباط مثبت بین بیش‌اطمینانی مدیریت با هموارسازی سود درمی‌یابیم که مدیران از روش‌های خوش‌بینانه و افزایش سود از طریق دستکاری و تخمین بیش از واقع ارقام تعهدی به منظور هموارسازی سود و ارائه تصویری مطلوب از عملکرد شرکت استفاده می‌کنند. این تجزیه و تحلیل‌ها حکایت از تایید فرضیه اول تا ششم پژوهش دارد.

با توجه به نتایج حاصل و مرور ادبیات، این پژوهش با معرفی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شاخص‌های ارزیابی کیفیت سود می‌تواند برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مفید باشد. از آنجا که وجود ویژگی بیش‌اطمینانی در مدیران، آنها را به انجام هموارسازی سود و ارزش‌گذاری بیش از حد خالص دارایی‌ها یا به عبارت دیگر تخمین بیش از حد بازده و جریان نقدی و کاهش محافظه‌کاری سوق می‌دهد؛ از این رو، نبود هموارسازی یا مدیریت سود و همچنین وجود محافظه‌کاری حسابداری در صورت‌های مالی بیش از هر گروهی با افزایش کیفیت سود از طریق کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران آگاه و ناآگاه، منافع سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را حفظ می‌کند. بنابراین، اطلاع از نبود هموارسازی سود و وجود درجه‌ای مطلوب از محافظه‌کاری و با کیفیت بودن ارقام تعهدی مندرج در گزارش‌های مالی و همچنین توانایی سود در پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی آتی شرکت، می‌تواند تضمین خاطری برای این افراد باشد. لذا به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود در هنگام اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود به رابطه متغیرهای بیش‌اطمینانی و معیارهای ارزیابی کیفیت سود توجه نمایند. به‌علاوه، مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نیز افراد ناظر بر این مدیران، می‌توانند از نتایج این پژوهش جهت افزایش آگاهی خود استفاده نمایند. همچنین سازمان بورس اوراق بهادار تهران در راستای انتشار اطلاعات شرکت‌ها در صورت مشاهده انحراف مثبت سودهای پیش‌بینی شده در دوره‌های متوالی، به عوامل تاثیر گذار بر معیارهای ارزیابی کیفیت سود در ارائه اطلاعات، توجه نمایند. یکی از پیامدهای ضمنی بیش‌اطمینانی، عدم وجود آینده‌نگری واقعی است. بنابراین لازم است مشاوران مالی و نهاد‌های ناظر بر مدیران و شرکت‌ها در این زمینه به مدیران کمک کنند.



منابع

- ایزدی‌نیا، ناصر؛ رساتیان، امیر. (۱۳۹۰)، "سازوکار نظام راهبری شرکتی و کیفیت سود"؛ فصلنامه‌ی پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی؛ سال اول؛ شماره اول.
- بولو، قاسم؛ حسنی القار، مسعود. (۱۳۹۴)، "بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"؛ مجله دانش حسابداری؛ سال ششم؛ شماره ۲۱؛ ص ۳۱ تا ۵۳.
- زارعی، حسین؛ واحدیان، سعید. (۱۳۹۴)، "بررسی نقش کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی در بهبود کارایی سرمایه‌گذاری"؛ سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری؛ دانشگاه شهید بهشتی.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ واحدیان، سعید. (۱۳۹۴)، "بررسی نقش کیفیت اطلاعات مالی در بهبود تامین مالی از طریق استقراض بانکی"؛ سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری؛ دانشگاه شهید بهشتی.
- سپاسی، سحر؛ حسن زاده، مرتضی؛ (۱۳۹۵). "تأثیر بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی شرکت روی پایداری سود"؛ دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری؛ سال اول؛ شماره اول؛ بهار و تابستان ۱۳۹۵؛ ص ۱۲۳ الی ۱۳۸.
- خدای‌پور، احمد؛ دری‌سده، مصطفی؛ پور اسماعیلی، آزاده. (۱۳۹۴)، "بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر محافظه کاری؛ با در نظر گرفتن نظارت بیرونی"؛ بررسی‌های حسابداری و حسابرسی؛ دوره ۲۲؛ شماره ۲؛ ص ۱۸۳ الی ۲۰۲.
- صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۹۲)، "کیفیت سود و معیارهای اندازه‌گیری آن"؛ مجله پژوهش حسابداری دانشگاه شهید بهشتی؛ شماره ۲؛ تابستان ۱۳۹۲.
- رامشه، منیژه؛ ملانظری، مهناز. (۱۳۹۳)، "بیش‌اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری"؛ مجله دانش حسابداری؛ سال پنجم؛ شماره ۱۶؛ ص ۵۵ تا ۷۹.
- عربصالحی، مهدی؛ هاشمی، مجید. (۱۳۹۴)، "تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی"؛ بررسی‌های حسابداری و حسابرسی؛ دوره ۲۲؛ شماره ۱؛ ص ۸۵ الی ۱۰۴.
- عربصالحی، مهدی؛ امیری، هادی؛ و کاظمی نوری، سپیده. (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان‌های نقدی"؛ مجله پژوهش‌های حسابداری مالی؛ سال ششم، شماره دوم، شماره پیاپی ۲۰، ص ۱۱۵ الی ۱۲۸.
- مشایخ، شهناز؛ بهزاد پور، سمیرا. (۱۳۹۳)، "تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"؛ بررسی‌های حسابداری و حسابرسی؛ دوره ۲۱؛ شماره ۴؛ ص ۴۸۵ الی ۵۰۴.
- مهرانی، کاوه؛ صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۹۰)، "تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی"؛ مجله دانش حسابداری؛ سال دوم؛ شماره ۷؛ ص ۶۹ الی ۹۸.
- مهرانی، ساسان؛ حصارزاده، رضا. (۱۳۹۰)، "نوسانات سود و امکان پیشبینی آن"؛ مجله دانش حسابداری؛ سال دوم؛ شماره ۶؛ پاییز ۱۳۹۰؛ صفحات ۲۷ تا ۴۲.



مهدوی، غلامحسین؛ حسینی، سید مجتبی؛ رئیس، زهره. (۱۳۹۲). "تأثیر ویژگی های حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود پیش بینی شده به وسیله مدیریت شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"؛ فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت؛ سال ششم؛ شماره شانزدهم.

بادآور نهندی، یونس؛ قادری، صلاح الدین؛ بهشتی نهندی، رضا. (۱۳۹۲). "تأثیر شفافیت اطلاعات حسابداری بر ناکارایی سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی؛ سال بیست و یکم؛ شماره ۶۸؛ ص ۶۵ الی ۸۲.

Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1): 1-30.

Ball, R. & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in U.K. private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1): 83-128.

Ball, R., Kothari S.P. & Valeri, N. (2013). On estimating conditional conservatism. *The Accounting Review*, 88 (3): 755-787.

Ball, R. , Kothari, S. and Robin, A. (2000) . The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 29, pp. 1-51.

Balsam, S., Krishnan, J., & Yang, J. (2003)." Auditor Industry Specialization and Earning Quality ". *Auditing*, 22(2), 71-97.

Basu, S. (1997) . The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, pp. 3-37.

Bouwman, C. (2014). Managerial Optimism and Earnings Smoothing. *Journal of Banking & Finance*, Vol.41, 283-303.

Burgstahler, D. and Dichev, I. (1997) . Earnings Management to Avoid Earnings Decreases and Losses, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, pp. 99-126.

Chen, S., Lai, S., Liu, C., McVay, S. (2014). Overconfident Managers and Internal Controls. Working paper, National Taiwan University and University of Washington.

Cornell, B. and Landsman, W. (2003) . Accounting Valuation: Is Earnings Quality an Issue?, *Financial Analysts Journal*, Vol. 59, pp. 20-29.

Dechow, P. and Dichev, I. (2002) . The Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors, *The Accounting Review*, Vol. 77 (supplementary) , pp. 35-59.

Deshmukh, S., Goel, A. & Howe, K. (2013). CEO Overconfidence and Dividend Policy. *Journal of Finance Intermediation*, 22(3): 440-463.

Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. and Schipper, K. (2004) . Cost of Equity and Earnings Attributes, *The Accounting Review*, Vol. 79 (4) , pp. 967-1010.

Jiang, F., Zhang, M., Lu, Z., and Chen, C. (2009). Managerial Overconfidence, Firm Expansion and Financial distress. *Economic Research Journal*. 1,131-143.

Hendriksen, E.S. & Berda, M. F. (1992). *Accounting Theory*, 5th Edition, Irwin: Pence-Hill.



- Hsieh, T., & Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9-10): 1243-1268.
- Huang, W., Jiang F., Liu, Z., and Zhang M. (2011). Agency cost, top executives' overconfidence, and investment-cash flow sensitivity- Evidence from listed companies in China. *Pacific- Basin Finance Journal*. Vol 19, Pp 261-277.
- Lafond, R. & Watts, R.L. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83 (2): 447-478.
- Larcker, D., Richardson, S. and Tuna, I. (2007). Corporate Governance, Accounting Outcomes, and Organizational Performance. *The Accounting Review*, Vol 82, pp. 963-1008
- Leuz, C. , Nanda, D. and Wysocki, P. (2003) . Earning Management and Investor Protection: an International Comparison, *Journal of Financial Economics*, Vol. 69, pp. 505-527.
- Li, J. & Tong, W. (2012). Managerial Overconfidence, CEO Selection and Corporate Investment: An Empirical Analysis. Working paper, available at: www.ssrn.com.
- Lin, Y.-H., Hu, S.-Y., & Chen, M.-S. (2005). Managerial optimism and corporate investment: Some empirical evidence from Taiwan. *Pacific- Basin Finance Journal*, 13 (5): 523-546.
- Lipe, R. (1990) . The Relation between Stock Returns and Accounting Earnings Given Alternative Information, *The Accounting Review*, Vol. 65 (1) , pp. 49-71.
- Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *European Financial Management*, 11(5): 649-659.
- Malmendier, U. Tate, G. & Yan, J. (2007). Corporate financial policies with overconfident managers. NBER Working Paper No. 13570
- McNichols, M. (2002) . Discussion of the Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors, *The Accounting Review*, Vol. 77 (supplementary) , pp. 61-69.
- Richardson S.A., Richard G. Sloan, Mark T. Soliman, İrem Tuna (2005). "Accrual reliability, earnings persistence and stock prices" *Journal of Accounting and Economics*, Volume 39, Issue 3, September 2005, Pages 437-485
- Park, Ch. & Kim, H. (2009). The Effect of Managerial Overconfidence on Leverage.
- Penman, S. and Zhang, X. (2002) . Accounting conservatism, the Quality of Earnings and Stock Returns, *The Accounting Review*, 77 (2) , pp. 237-264
- Scherand, C.M., and Zechman, S.L. (2012). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1): 86-107.
- Schipper, K. and Vincent, L. (2003) . Earnings quality, *Accounting Horizons*, Vol. 17 (supplement) , pp. 97-110.
- Tien-Shih, H., Bedard, J.C. and Johnstone, K.M. (2014). CEO overconfidence and earnings management during shifting regulatory regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(9) & (10), 1243-1268.
- Watts R.L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17 (3): 207-221.



The effect of Managerial Overconfidence on the earnings quality

Yad-o-llah Tariverdy

Saeed Vahedian *

Abstract

Although the companies reported earnings number, the main component is considered as decision making fundamental principles in the capital markets, However earnings quality, beneficial role in the decision-making process plays. In this regard, managers behavioral and personality characteristics, an important factor in management decisions Considered to be concerning investment, financing, dividend and accounting policy; Therefore existence of the feature overconfidence in managers are effective on the how to identify profit and loss and the carrying amount of assets and liabilities. Hence, aim of this study analyze role of the characteristics of the behavior of managers in financial reporting, to investigate the effect of management overconfidence on the earnings quality. In order to test the research hypotheses, the 105 companies listed on Tehran Stock Exchange during period between 2011 to 2015 was select. First to sixth hypothesis test results indicate that between the criteria of management overconfidence with unconditional and conditional conservatism, accruals quality and earnings sustainability significant negative relationship and between management overconfidence with the criteria of earnings predictability and smoothing be positive and significant relationship exists. The seventh hypothesis test results indicate that between management overconfidence with the relevance value criteria not a significant relationship.

Keywords: earnings quality, management overconfidence, conservative accounting, earnings smoothing, accruals quality